

- ۷۵۰ میلادی : انقراض دولت اموی :
- ۷۸۶ » جلوس هارون الرشید :
- ۹۹۷ » جلوس سلطان محمود غزنوی (زابلی) :
- ۱۰۲۶ » فتح سومنات :
- ۱۰۳۷ » وفات حکیم ابو علی سیناری بلخی :
- ۱۱۶۹ » جلوس سلطان صلاح‌الدین ایوبی :
- ۱۱۸۷ » فتح بیت المقدس بواسطه صلاح‌الدین :
- ۱۱۹۸ » وفات ابن‌الرشید فیلسوف اسلامی در هسپانیه :
- ۱۲۰۶ » تأسیس حکومت اسلامی در هند واسطه قطب‌الدین افغان آبرک :
- ۱۲۱۸ » حمله چنگیز بر عالم اسلام :
- ۱۲۵۸ » انقراض دولت عباسی و خرابی بغداد به آشوب هلاکو خان :
- ۱۲۷۱ » شروع سیاحت مارکو پولو :
- ۱۳۰۰ » تأسیس سلطنت عثمانی در انقره :
- ۱۴۰۵ » وفات تیمور کورکان :
- ۱۴۵۳ » فتح قسطنطنیه بدست سلطان محمد ثانی :
- ۱۴۹۲ » کولیس در امریکه :
- » » » انقراض دولت اسلامی در غرناطه .
- ۱۷۰۸ » اعلان استقلال میرویس در قندهار :
- ۱۷۲۲ » فتح ایران بواسطه شاه محمود افغان - وانقراض دولت صفوی :
- ۱۷۲۴ » واقعه دربند و شکست بطر اعظم ذریعه سیدال خان افغانی :
- ۱۷۲۷ » اولین معاهده دوستی ترک و افغان عهدشاه اشرف :
- ۱۷۴۷ » جلوس اعلیحضرت احمد شاه بابای غازی :

۱۷۶۱	فتح احمدشاه بابا دریائی پت :
۱۷۷۶	پای تخت شدن کابل :
۱۸۸۰	جنگ میوند :
۱۹۰۴ - ۱۹۰۵	جنگ روس و ژاپان :
۱۹۱۴ - ۱۹۱۸	جنگ عمومی :
۱۹۱۹	حصول استقلال افغانستان :
۱۹۲۸ - ۹	انقلاب در افغانستان :
۱۹۲۹	جلوس اعلیٰ حضرت محمد نادر شاه غازی و نجات وطن :



وقایع مهمه دنیا

در سال ۱۳۱۱

سال ۱۳۱۱ با آخر رسید و یکرشته مطالب مهمه در صحنه سیاست عالم زیر و رو گردید ، این مسائل خواه از اقوال تجاوز کرده و بساحه عمل آمد یا تنها سیاسیون را تائبه های سرگرم مجالسی ساخت بیر حال برای مطبوعات و جراید نیز مشغولیتی فراهم آورد ، غرض کسی که بخواهد گذارشات معتبره یکساله دنیا را پیش خود اجمالی بسازد ، بکسر مهماتی بر میخورد که در ظرف یکسال اساس گرفته و انجام یافته باشد ، مثلاً بعضی مسائل معتناهایی هستند که از چندین سال پیشتر و از طرف اشخاصی پیش نهاد گردیده و اساس گذاشته شده اما نتیجه آن ذریعه افراد دیگری و درین سال به تنبیر زمان و مکان ظهور نموده و همچنان مطالبی هستند که درین سال تازه بصحنه سیاست دنیا ظاهر شده و ممکن است خاتمه آن در سال های بعد تری توسط عوامل دیگری آشکار گردد .

در امتداد سال ۱۳۱۱ در ممالک بزرگ و کوچک جهان تضایبی بسیاری از قبیل تغییرات و تبدلات طرق و روشی سیاسی حکومتها ، تمنیات و کشمکش های داخلی احزاب ملت ها ، معاهدات دولی با دول دیگر مسافرت های سیاسی و غیره امور بسیاری رخ نموده که هیچکدام آنها در مقام خود خالی از اهمیتی نیستند . ولی متأسفانه بعلت ضیق وقت و لزوم اختصار کلام از آنچه تقدیم آن بانظار یک ملت و جامعه قابل اهمیت بوده است صرف نظر کرده و قناعت کردیم بچیدن چند نکات مهمتری که از نقطه نظر عمومی مهتر شناخته شده اند :

کاتفرانس خلع سلاح :-

از زمره مهمترین واقعات که درین سال قضای دنیا را پرازولوله ساخته و در ساحه مطبوعات عناوین بلند و مقام ارجندی یافته موضوع خلع و تقلیل سلاح است این مسئله چون از حیث لفظ و معنی واجد صلح دنیا و مفاد بشریت تعبیر میشود عامه اهل سواد عالم را بلااستثنای اقوام و طبقات بسوی درک مقصود و مفهوم آن بی اختیارانه می کشاند و ازین جلب شدگان کمتر کسی خواهد بود که بمحض شنیدن و یا خواندن این ظلمات فوراً یک امید آینده در دل خود با احساس نکرده و زود باور نشوند مگر مدققین فهمیده اند که بهر اندازه عظمت نام و معنی آن ظاهر است دوچندان عملی شدنش مشکلاتی در پیش دارد .

چه ما نباید واقعه امساله خلع سلاح را از صداهای امروزه شنیده به آن تازه گمی بدیم و با از اقدامات جدیدش تالی نمائیم همین موضوعات صلح و سلاح است که توجه بعضی از دول اروپا را از اواخر قرن ۱۹ بخود معطوف داشته و آنها را به فرار داد تاریخی ۱۸۸۷ وادار نمود که اخیراً کاتفرانس صلح پاریس ۱۹۱۹ بعد از جنگ جانشین اوست .

همین مسایل صلح پسندی است که نیکلای دوم قیصر روسیه را ۲۹ سال قبل برای معاهدات و قراردادهای با دول دیگر بر انگیزاننده و در عین زمان خودش را یازاپان دست و گریبان ساخت .

بالاخره همین صلح عام و خلع سلاح ملی است که بعد از جنگ در ظرف این چهارده پانزده سال در هر کجائی مانند پاریس ، واشنگتن ، لندن ، جینوا و غیره نقل محافل و نقل مجالس شده و آوازه های آن بتایر نوع پرستی و بشر خواهی اسباب سرگرمی و مشغولیت اهل دنیا را فراهم آورده .

اگرچه همیشه حدوث مصائب و فحاشی اقوام مختلفه عالم بوده که برای تاسیس و با اقدام به انعقاد اینگونه محافل سبب گشته و آن ها را اهمیتی بخشوده اما این نکته را نیز بایستی اعتراف کنیم که این جنگ جهان سوز عمومی قویترین عاملی بود برای ملل و ایجاد اتحادیه های دول و همچنین بجا خواهد بود اگر اقدامات بعد جنگ را هم تا اندازه درین منکوره مهتر و مقصد قریبتر بخوایم مخصوصاً بحرانهای یکی دو سال اخیر دنیا که آنها را ناسید کرد برای آینه های طرلانی ازین قبیل پیشنهادات بسیار برصه بشریت تقدیم و بیادگار خواهد گذاشت .

آخرین کانفرانسی که بنام تقلیل سلاح در جنووا فروری ۱۹۳۲ تاسیس شد گویا تاریخ آن یکماه و چند روزی از اوایل سال ۱۳۱۱ تقدم دارد اما مذاکرات و جریانان آن قسمت بیشتر مطبوعات اساله رافرا گرفت . درین مرحله علاوه بر کانفرانس های گذشته یکمده زیادتری بتقریب پنجاه تا شصت ممالک کوچک و بزرگ نماینده فرستاده اند و هم بعضی دول مانند افغانستان و شوروی و ایران و غیره که درین موضوع شمولیت نداشتند شامل شده اند، مباحث این کانفرانس هم تا اندازه خللی از اهمیت نیست ولو اکثریه مذاکرات بگذشته ها ارتباطی داشته و بلکه از همان مسائل لاینحل مجالس قدیم بوده اند اما نظریه به تغییرات زمان و مقتضیات قوا و پیشرفت های چندین ساله بعضی دول لجه های مذاکرات درین مرتبه طوری تبدیل گردیده و در خارج مذاکرات نظریات و عملیات جدید و مقتوعی با آنها اضافه شده که طالبین اطلاعات صحیحه اصلاً در اسم و رسم کانفرانس دچار تردیدی می شوند : آیا این کانفرانس تجدید سلاح است یا تقلیل سلاح و یا خلع سلاح ؟

بهر حال ما اگر بعقیده صلح جویان حقیقی خلع سلاح و یا اقله تقلیل سلاح یادش کنیم دور از نزاکت نخواهد بود کانفرانس خلع سلاح در ظرف مدت همین سال چند دفعه تعطیل شده و باز مفتوح گشته و با ترتیبات عمومی کمیونتهای خصوصی بری، بحری، هوائی نیز در آن تعیین شده است تا هر کدامی به تخصص خود رسیدگی در امور وارده بنمایند.

دول مشولین عموماً مهام کانفرانس را بانطق های ابتدائیه خویش بخوشوقتی نامی استقبال کرده و هر یکی بنزبه خود پیشنهاداتی داده و بیک صدا تقلیل سلاح و الغاء بعضی تجهیزات مضره تعرضی و جنگ های شیمیائی و بمباردمان هوائی را خواستار شده و فقط لزوم قوای دفاعی ممالک خویش را جالب توجه کانفرانس قرار داده اند چنانچه به نطق ابتدائیه آقای عبدالحمین خان تابنده افغانی هم در کانفرانس به نسبت این مسایل اشاره رفته و قوای حربی افغانستان را تدافعی و برای وقایه امنیت داخلی خاطر نشان آن مجمع گردانیده است .

گویا ندای خلع سلاح بدو بلا استثنا از حنجره ضغنا واقو یابند است تنها اختلافات نظری که اصل این مهام را در خانه دچار مشکلاتی مینماید از طرف چند دولت های بزرگ و مشهوری است و آنچه در مطبوعات هم منتشر گردیده مذاکرات همان دول میباشد، تا سفاکه از دول کوچک کمتر اطلاعاتی بدست می رسد مگر در مواردی که عده ازان ممالک مصدق رای و پیرو یکی از دول بزرگ میگرددند .

غرض از جلسات اولی که پیش از تعطیل نیمه مارچ سه پیشنهاد مهم مطرح مذاکره واقع شد مخالفت ها شروع والی آخر دوام ورزیدند مثلاً پیشنهادات اولی عبارت بود از الغاء سلاح تعرضی ، خلع سلاح نسبی ، پلیس بین المللی .

الغاء سلاح بدو ذریعه مسیوگراندی تابنده ایطانیا اظهار گردیده، یعنی آنچه اسلحه را معاهده و رسای از مضره قوب تانک طیاره و گناز و غیره برای آلمان ممنوع شناخته دیگران هم بایستی از نگاه کردن آن معانت بشوند و این پیشنهاد تقریباً ذلت نمایندگان را با او متحد نشان داد اما در حین حال برخلاف نصق های ابتدائی مخالفت هائی هم از اطراف ظاهر آمد یعنی بعضی ها تفریق سلاح تعرضی و تدافعی را مشکل بنمناشتند و برخی این معنی را بدون

تفتیش و اقدام عملی بین‌المللی برای نابود ساختن مؤسسات صنعتی آن عبت دانستند و از همه رنگین تر آنکه یکعده اظهار عقیده نمودند که بدون این سلاح جنگ بی نظم و باسول قدیم شده و فتح ناممکن میگردد!

نقشه دومی واسطه لیتو توف نماینده شوروی طرح شد که اگر دولت‌ها دارای دوصد هزار فرد عسکری باشند پنجاه در صد تقلیل و آنانکه بی دوصد هزار وسی باشند کمتر تقلیل و سی هزار نفری بحال خود بماند و این نظریه اولی اوست که بعدها تغییر مینماید با آنهم چون دو بین کوچک و بزرگ تفاوت‌های درستی قابل نشده بود چندان قابل قبول نگردید.

پیشنهاد سوم از نماینده فرانسه و ایراد کننده آن تاردیو بوده یعنی توسط پلیس بین‌المللی و گذاشتن قوای کافی اجرائیه بجمع ملل ممکن است بعمل خلع سلاح امید وار شد. این نظریه فوق‌العاده جالب استغراب و تعجب عامه نمایندگان شده و مایه بسی مذاکرات گردید ولی چیزی نگذشت که در مذاکرات جلسات دیگر تقریباً در ۲۰ جون نظریه پلیس بین‌المللی را کابینه جدید فرانسه ترك گفت.

بعد از ماه اول و دوم هم تا اواخر سال ۱۹۳۲ و اوایل ۳۳ در اوقات جریان کانفرانس همینطور آنچه پیشتر در کانفرانس محل غور و تحقیق گشته پیشنهادات و ماسایل مربوطه دول مشهور و بزرگ دنیا است که تعداد آنها از پنج شش دولتی مانند امریکه، انگلیس آلمان، فرانسه، شوروی ژاپون تجاوز نمی کند سایرین هر کدام یکی یا چندمی دیگر ازین‌ها توافق نظر داشته است.

در مذاکرات ما بعد نظریات امریکه هم در روی زمینه تقلیل نسبی با شورویها کمتر نزدیکی دارد بلکه امریکائی‌ها نظر به پیشنهاد هور رئیس جمهور که خود را بیشتر موسس کانفرانس و مؤید قویتر خلع سلاح میدانند طرفدار آنند که بعلاوه الغاء اساسی بعضی اجناس مانند جنگ شیمیائی تانک‌ها توپهای سنگین طیارات بم انداز که همه خراب و سرنگون گردند اصلاً از اصل قوای حری عالم نك آن بنام دفاع ملی نگهداشته و از بقره صرف نظر شود.

پیشنادهای انگلیس‌ها با آنکه اکثر جنبه طرفداری خلع سلاح داشته ولی مذاکرات شان کمتر مشر يك لهجه فصیحی هستند مثلاً در موارد تنای آلمانها همیشه بظاهر در خواست آلمان را خالی از استحقاق ندانسته ولی در مقابل فرانسه چون بعضی دول کوچک را طرفدار او دیده اند از تصدیق و احترام معاهده و رسای خودداری کرده نتوانسته اند فقط چیزی که از جانب آنها قابل اهمیت شناخته شود توجه نماینده‌گان آنها در ادامه استقرار کانفرانس و تشویقات بسایر ملل در تقلیل نوعی از سلاح تدافعی و الغاء برخی از سلاح تعرضی است در اروپا، ژاپون‌ها کمتر به این مفکوره تمایل دارند بلکه با اتقای تحت البحرها هیچ اظهار موافقتی نداشته و وجود قوای سنگین را هم اسباب دفاع ملی می شمرند.

و اما مذاکراتی که درین کانفرانس بیشتر از همه جالب توجه و مورد اختلاف واقع می شود موضوع آلمان‌هاست، بزرگترین حریف آلمان درین مذاکرات فرانسه واقع می شود و آلمان بعد از آنکه نظریات خویش را در اوایل با شدت و حدتی تساوی تسلیحات قرارداد، جریان کانفرانس را بنظر استخفاف دیده و بلکه از شمولیت نماینده‌گان خویش نامدتی استکفاف ورزید، آلمان‌ها مقرر و مصر اند که تخفیف اسلحه و خلع سلاح بساین مذاکره‌ها صورت گرفتنی نیست پس آنچه دیگران دارند ما هم باید داشته باشیم فرانسویها میگویند این ادعای آلمان مبنی بر تجدید سلاح آنها و در هم شکستن معاهده و رسای است و بس، بلکه نظریه آنها را که فرانسویها در جراید خود انتشار داده اند در ده مواد است که از انجمله عده عسکر سه صد هزار نفری است با توپهای بزرگ، تحت البحرها و غیره بالخاصه ۳۵ کارخانه اسلحه سازی درین مقابل تشیقات آلمان از وسایل

متنوعی معلوم می شود که در صدد تکذیب دعاوی فرانسه است و تعقیب مفاد این جملات که در نطق صدر اعظم آلمان در جلسه مقارن اوایل سال هم گنجد « هیچ کس نمی تواند ملت آلمان را وادار نماید بیش ازین بحال ضعیفی که بحیثیت و شرافت و تأمین او لکه وارد می نماید بانی بنامد » اضافه برین آلمان ها در هر کجائی پشهادت فرانسه را نسبت به پلیس بین المللی و مسلح ساختن جامعه ملل را به کامیابی فرانسه و سروری آنها یا عیوب دول ضعیف تصریح میکنند .

بالآخره اصرار امریکه، توجه انگلیس و اکثریت ملل یا جهد فرانسه، آلمان را هم که عدم شمولیت او اسباب تا کاهی کانفرانس بلکه خطرانی تصور میشد بواسطه انعقاد معاهده پنج گانه بطرف این کانفرانس کشیدند دول پنجگانه امضا کنندگان این قرارداد منعقد جنوه عبارت اند از امریکا، انگلیس، ایتالیا، فرانسه، آلمان. و مواد قرار داد حاوی این چهار مطلب است، اولاً فرانسه و ایتالیا تصدیق می نمایند که اساس کانفرانس باید شناختن تساوی حقوق آلمان و ممالک خلع سلاح شده قرار گیرد این تساوی بشرطیکه تمام دول دنیا در تأمین باشند .

دوم: راجع به حضور داشتن آلمان ها در کانفرانس های آتی است سوم: شرط تعهدات فرانسه و آلمان و ایتالیا بادول دیگر که برای حل اختلافات متوصل بزور نشوند چهارم: توجه درعجله مقررات تقلیل آینده سلاح.

گویا پس ازین تاریخ هم جلساتی که دائر شده و مذاکراتی را که کانفرانسهای ۱۹۳۳ نیز تعقیب نموده اند همان پروگرام لانگل (هور) در فضای کانفرانس دوران دارد فقط کشمکش آلمان و فرانسه هم اخیراً با آق ضمیمه شده، سوای اینها اقدامات عملی زائیده این مؤسسه بشمار نبرود مگر برای فهمیدن نتایج قطعی آینده های طولانی تری را انتظار بکشیم، یکی از مسایل مهمی که کانفرانس لازم داشت شمولیت آلمان بود و دیگری که فرانسه و طرفدارانش احتیاج شدیدی در آن احساس میکردند تا این صلح آینده از طرف آلمان، این هر دو تا حدی بظاهر حال صورت گرفته باز چیزی که در نظر حساسین دنیا برای صلح پیش بینی می شود غیر ازین هاست، چنانچه يك نفر از ژنرالهای انگلیسی در مقاله مبسوطی (که ترجمه آن در جراید منتشر گردیده) پس از شرحی در اطراف این کانفرانس و اغراض سیاسی دول مقتدر متذکر می سازد: « کانفرانس بجای آنکه جنگ را مردود و اسلحه تعرضی غیر قابل تمینی را منظور بنماید بهتر است تصمیمی برای محدود داشتن فاعل اتحاد و استفاده از جنگ و غصب اراضی و مستملکات حتی غرامات را قانوناً غیر مجاز شمارند. » بی تا افکار فتوحات و هوس غالبیت در، نیز اقویاً باقی است تا دول بزرگ بکثرت قوای بری و بحری و هوایی خود شان مغرور بوده و در مقابل دیگران از اولویت و سیادت خویش گذشت نکنند، تا اختلافات نظر و باغراض سیاسی مانع تولید روح صمیمت و اتحاد حقیقی است هیچ فکری نمیتواند صلح آینده را پیش بینی کرده و تا بودی جنگ را با چنین اقدامات تصور نماید خاتمه این کانفرانس هم مانند صلح ورسای خواهد شد که يك نویسنده اروپائی پس از ختم معاهده کولک و بریان در ۱۹۳۰ در تحت عنوان (جنگ های بعد از صلح) مقاله انداز داده و تعداد جنگ های بعد از صلح ورسای را تا ۱۹۳۰ هجده جنگ شماریده و تفصیلات داده است، چه در همین موقعیکه تضایب کانفرانس خلع سلاح را نوشته و مذاکرات صلح جوانانه ملل عالم را میخوایم جراید موجوده بکجا ساختمان های آلات حربی آلمان و دول دیگر را ذکر میکنند دیگر جا حمل و نقل سلاح کثیره را از ایتالیا به هنگری و از انگلستان بجاپان می نویسند، فقط وقت و فرصتی لازم است تا فووعان صلح عمومی هنگام جریان یا بعد اختتام این کانفرانس نیز در رشته نگارش کشیده آید .



مجلس صلح السلاح عمومي که بنابنده گان افغانستان حیات عبدالرحمن خان معبر کبير امعاسان مصمم مانسکوه پای محم عمرخان رئیس ارکان حریه عمومیه بیرون سابلل بوده و از جاهانکه به عکس نشان سده دده بی شود

تجزیه منچوریا و طلب استقلال آن :

واقعه دیگری که در ظرف سال ۱۳۱۱ از شرق اقصی بروز نموده و در ردیف مهیات امور دنیا قرار یافت تشکیلات جدید منچوریا یا منچوکو است ، فارژین محترم هر گاه ملتفت شده باشند در زمره اطلاعی که جراید در اوایل سال بنسبت شرق اقصی انتشار داده بدو قضیه تجزیه منچوریا از چین و قرار گرفتن هانتک بریاست جمهور آن خطه و متعاقباً اقدامات جاپان برای شناختن استقلال منچوکو بوده که تماماً این قضایا در خانه آخرین جنگ ۱۹۳۱ جاپان و چین رخ نموده .



هانگ تن شاه جدید مانچوریا

اگر چه بظاهر استقلال برخی ملل از قضایای عادی و حقوق فطری است که در دنیا همیشه بنابر بعضی مقتضیات ملی و مملکتی اتفاق افتاده است ولی این واقعات منچوریا چون در اثر مداخله علنی جاپانی ها صورت گرفته و بر رغم رضایت اکثریت ملت

مانچوریا واقع گردیده اینست که بالطبع از هر زبان و قلمی در اطراف این مسائل گفتن و نوشتن تکرار می شود ، جی عقیده دارند که تصرف منچوریا بایستی ناشی از عداوت های قسم چین و جاپان باشد و جمع دیگر بر آنند که این اصرار جاپان در طلب استقلال مانچوکو در حالی که منی زیر استیلا و نفوذ خردشانست فقط برای سهرات انجم آرزو های سیاسی آینده توکیو خواهد بود .

بهر حال عداوت یا اغراض سیاسی ، هر کدام باشد چنانچه در اوایل مقاله متذکر شده ایم این نوع مسایل از امور آتی نبوده و بی سابقه نیست چه وقتی گذشته های این دو حریف را مورد مطالعه قرار دهیم بی عیان اقد دی و سیاسی مکشوف میگردد که باعث تولید عداوت و تقاضت هائی گردیده باشد .

مذاقنه بین دولین چین و جاپان تقریباً از اواخر قرن ۱۹ بدینطرف شروع شده و مخصوصاً آغاز تجاوزات جاپانی بر علیه چین از محاربه ۹۶ — ۱۸۹۵ است که ژاپان برای عظمت و سیادت خویش میخواست حصص از چین را در سواحل بحر اهنر مدت گردد و تا اندازه هم کامیاب گردید که شرح آن پر تفصیل است و درین مقاله نگنجد . جاپان بعد از ختم جنگ با روس ها و غلبه که در نتیجه نصیب خردش گردید در تصرفات خرد افزوده و امتیازاتی چند را نیز در منچوریا دارا شد و همچنان بعد هر يك وقته باز ماهده دیگری روی کار آورده و منافع خودش با مضا میرسانید ، چنانچه در حین جنگ عمومی (۱۹۱۵) باغتنام موقع پیشنهادی موسوم به (۲۱ خراش) را از چین تمنای تصدیق نمود که گویا بعقیده اغلب سیاسیون قبول این تعهدات برای چین اسارت کامل آن را ایجاب میکرد و جاپان در قبال دادن این پیشنهاد بحدی مصر بوده که شمولیت او را در زمره متحدین جنگ عمومی نیز از همین رهگذر پنداشته اند و او چینائی ها قبول این تعهدات را بررگترین مصائب ملی دانسته و با وجود ضعف و نا توانی نسبی آن مصر خود هر چه بذرایع بعضی با یکوت

های اموال جاپانی که يك حرب اقتصادی گفته شود از قبول آن مخالفت میکردند کمتر چاره پذیر میشد تا بالاخر کانفرانس ۱۹۲۱ - ۲۲ واشنگتن و تهدیدات امریک و انگلیس نسیلاتی برای چینی ها فراهم آورده و جاپان را از اقدامات تجاوزی ممانعت کردند . بترتیب معموله مدت این نسیلات هم برای دایمی باچینی ها وفا نکرده تا آنکه واقعه شب ۱۸ ستمبر ۱۹۳۱ به آرامی دولتین خانه داده قوای جاپانی بقتله بنام انتقام قتل کپتان (ناکامورا) مأمور تفتیش خط آهن و با جلوگیری از خرابی های آینده راه آهن منچوری مربوط بجاپان ، در چهاونی بزرگک ما کدن (پی تاین) حمله برده يك عده بیست هزار نفری را خلع سلاح کردند و صبح آن شهر ما کدن اشغال و هم نیوچون را ذریعه يك جهاز جنگی بنصرف آوردند یعنی در ظرف ۱۲ ساعت تمام نقاط مهمه سوق الجیشی مانچوریا بدست ژاپونی ها افتاد ، بدون آنکه کمترین دفاعی از طرف مقابل دیده شود اگرچه اخیراً جنگ شعله ور شده و طرفین باستعمال سلاح پرداختند ولی چین از اوایل بامید عدالت پسندی واقفدار جامعه ملل فریب بزرگی خورده و نهایت ساده گی قوای حری و مناطق مهمه خود را بجا کر جاپان تسلیم کردند ، باصطلاح خود را دست بسته دشمن سپردند غافل از آنکه ژاپان این صراحتیه تنها بتوسعه اقتصادی خویش در چین قانع نبوده و اراده دارد بوسعت نفوذ سیاسی خود پردازد ، فقط اقدامات چین پس از آن تسلیم فاحش عده های کثیر در مقابل تعداد قلیل عساکر جاپان ، در بدو حال در خارج عبارت بود از هر سال را پورتهائی بجامعه ملل و در داخل همان بایکوت های ضد اموال ژاپانی و بس که قوای متجاسر ابدأ زیاد داشت های وارده مجمع ملل و دول دیگر وقتی نگذاشت و بلکه کسیونیی را که بریاست (لن) مرکب از نماینده های دول امریک ، فرانسه ، ایتالیا ، آلمان ، انگلیس و غیره برای تحقیق اوضاع دولتین در دسامبر ۱۹۳۱ معین کردند هانست که تا کنون را پورت های موهوم آن مطرح بحث انجمن ۱۹ گانه است در قضایای موجوده مانچوکر ، چیزی که بسیار قابل توجه و اهمیت شناخته می شود طول مدت مذاکرات و تحقیقات است که در امتداد این زمان حصص مفتوحه فراعنی تامه زیر سلطه جاپانی مانده و منچوریا بکلی مستعد تجریه گردید در اثر همین علت بود که در فروری ۱۹۳۲ ارؤسای منچوریا ، خاربین ، کیرن و موکدن در موکدن اجتماعاتی کرده و درصدد اعلان استقلال منچوری برآمدند و همچنان در ماه مارچ همان سنه (حمل ۱۳۱۱) مراسم معرفی هانگک تن (۱) امپراطور خورده سال سابق چین بریاست جمهور مانچوریا در چانگک چن پایتخت جدید بحضور آئینده های بزرگک عسکری و سیاسی و غیره مانند (هانچو) جنرال و قوماندان قوای جاپانی در منچوری و (کنت یوشی وا) وزیر خارجه سابق ژاپان بعمل آمد .

متعاقباً درستبر همان سنه که بامیزان ۱۳۱۱ مطابقت داشته باشد جاپان معاهداتی با حکومت جدید در میان آورده هم خود رسمیت او را شناخته و هم بطرزی در پی آن برآمد تا دیگران او را برسمیت شناسند .

تجزیه منچوری به نسبت این اقدامات جاپان نه تنها تأثیرات شدیدی در مجامع ملی چین ایجاد کرد بلکه رسمیت مانچو کو مورد تردیدات و اعتراضات فوق العاده در نزد سیاسیون امریکا و اروپا واقع گردید که تا کنون مسئله رسمیت آن معوق مانده و موجب تشبیهات عده سی طرفین و صلح طلبان جنبه ثالث شده و می شود ، تشبیهات چینی ها گرچه بطور معتاد بعضی پروپاگند های ضد جاپانی و تقدیم نوتها در مجمع ملل و بعضی جاهای دیگر

(۱) هانگ تن باهنری پو ویاپوتی اسما و القاب همین پادشاه جدید منچوکر است که از یادگار های خاندان سلطنت دو نیم صدساله مانچورها بوده و در ۱۹۱۱ باخورد سال خود یعنی در پنج سالگی بر تمام مملکت و سبعمه چین حکمرانی داشت و از ۱۹۱۱ به بعد بواسطه انقلابات داخلی مخلوع و آواره گشت در ۱۹۲۶ چندی مغل سرافی داشت بعد در شانگهای بعقیقه فرسی اقدام ورزید اخیراً در چانگک خون که حالا بنام سنک کنگ معروف شده اقامت می نمود .

مانند لندن، واشنگتن، پاریس، رم میباشند مع هذا از تحریکات مختصر حرق نیز دریغ نمی کند و میفرستد و ضمیت چین رنگ يك انقلاب مظلومیت را گرفته و باثبات و متانت توأم است.

امریکا طوری رسمیت مانچو کو مخالف شد که حتی در آن موقع از اظهار این جمله هم خود داری نتوانست: « هرگونه اقدامات رسمی که از طرف قونسل ژنرال امریکا درخارین بعمل آید دلیل برین نخواهد بود که حتی بطور غیر مستقیم هم دولت منچوری رسمیت شناخته شده باشد » دولت شوروی گذشته از سکوت در قبول رسمیت مانچو کوبه نسبت مفاد خویش هراسان شده اظهار بل اخطار نمود که بموجب معاهدات پکن و ما کدن راه آهن شرقی چین متعلق بروسیه و تحت مدیریت طرفین می باشد.

غرض اظهار عمومی منافی تأمین یا تأیید رسمیت استقلال مانچو کو بوده بلکه مجمع ملل مسائل را بموجب اظهارات دولین و راپورت های (آن) در کمیته ۱۹ گانه تحت مذاکره گرفت، مقاصد چین همان دادخواهی است که ژاپن را متعرض بر تمامیت حاکمیت و اراضی ملی خودش میداند و این مضمون بسیار تکرار شده ولی جایانی با آن گوش نداده و اعمال تجاوزی خود را در زیر تمیات ملی و آزادی خواهی منچوریها پنهان میکنند در عین حال اینقدر میگویند دولت ژاپن مسئول امنیت شرقی اقصی میباشد و بهمین لحاظ قیام عسکر جایانی در منچوریا بمعاهده قید آمده و همچنانکه مانچو کو ضامن حفظ منافع جاپان است ژاپن هم مجبور است از هیچ نوع اندامی راجع بامنیت مانچو کو دریغ ندارد و بتأیید مقال ژاپن این نکته اخیر یعنی لفظ امنیت که مجمع ملل باید حاضر قبول رسمیت مانچو کو شوند در داخل منچوریا نیز عده های تقریباً ده هزار نفری بر انگیزاننده شده که صدای امنیت منچوریا را بتاکید رسمیت استقلال آن ذریعه تلگرامات بگوش مجمع برساند از طرف دیگر به پالیسی دیگری در داخل منچوریا مخالفین بشمار کثیر و نام های مختلفی یعنی محل امن و آسایش از بین برداشته میشوند، علاوه در کمیته ۱۹ گانه مخالفت او این نماینده های جاپان بر عدم شمولیت امریکا و شوروی است ولی مجمع همین شمارا هم بشرط قبول شدن سائر تجاوزات حاضر اجرا شد، مگر در ساحت تصدیق جاپان پذیرفته نشد تا زوم کمیته کوچک بامید کامیابی بریاست نماینده آلمان و اعضای از نمایندگان فرانسه، ایتالیا، اسپانیه، انگلستان، سویدن، یوگسلاویه، بلجیم، سویتزرلیند منقاد گردید.

این کمیته هم پس از غور و تحقیقات لازمه تسویداتی حاضر ساخته و اظهار نظریه کرده اند که انجمن ۱۹ گانه این تسویدات را بنظر مخالفت ندیده و نباید رسمیت مانچوریا را به این رژیم موجوده اعتراف نمایند.

علی ای حال از طرفی مذاکرات آخری نا معلوم است و از طرفی هم جاپان ها چون موقع را غنیمت دانسته روسها را مشغول تنظیمات جدید داخلی و تکمیل قوای نظامی، و امریک را مستغرق اصلاح بیکاریها و بحرانهای اقتصادی می بیند خودش صحنه چین را معرض تاخت و تاز قرار داده و از اقدامات خویش در جیهول و جیفنگک بینی های داناند که اوتنها بنظر منچوریا قانع نیست، با اینها در حل تضایا و نتیجه آینه او باین زودی و آسانی امیدواری نیست جاپانی ها وقتی زحمت بسیار و مصارف گزاف چندین ساله خویش را مدنظر گرفته و هم به نسبت اقتدار موجوده کامیابی های اقتصادی و سیاسی آینه را از حیث تصاحب این چنین يك خطه حاصل خیز و نقطه مهم سوق الجیهی پیش خود جلوه میدهند محال است بسهولیت از نفوذ خود در منچوریا صرف نظر نمایند در مقابل گریه هر کدام از دول اروپائی که در چین منافی دارند منچوریا علاقه مندند ولی بیشتر امریک از جهت رقابت

وسایات ، روسیه از بهای منافع و چین از واسطه که هستی خود را بر سر این مطالب خواهد گذاشت ۳ حریف قوی پنجه میباشند که سد راه او شده بلکه بالای این طعمه با جاپان دست و گریبان خواهند شد. درین میان تنها انگلیس اگر مدد کاری خودش را با جاپان دوام هم بدهد باز اسباب پیشرفت او نشده و اصرار ژاپان علاوه بر اینکه شعله جنگ آینده دنیا را دامن بزند بکایابی حقیقی ژاپانی ها تمام نخواهد شد .

آلمان و تمیزات او :

دولت آلمان گرچه از بعضی جهات در اغلب مواقع سطوت و تجمل اوهم از زمره مقتدرین دول درجه دوم دنیا بحساب رفته و در اولویت آن تردی موجود بوده ، ولی بسا امتیازات و خصوصیات ازان دیده شده و میشود که مطالبین ناگزیرند وضعیات آنرا قابل اهمیت قرار داده و بلکه به نسبت تغییرات زمان محور مهمترین وقایع دنیا بشمار آرند .

دول قویه و معظمه دنیا نظریه زیردستی که از آلمان در حین جنگ عمومی دیده بودند در ختم جنگ او را برای حفظ ماتقدم و بنام اطمینان آینده دنیا از خطرات مدهمه جنگجویی و جهانگیری طوری به زنجیر های اسارت مقید ساخته ، از اقتدارانش کاستند و بارگران غراماتی را بردوش او گذاشتند که برای اندی قدر است نتوانسته و بایستی از صفعه هستی محو و نابود گردد ولی اطلاعات اخیره باثبات رسانید که آلمن علاوه بر آنکه در زیر فشار



هرهتر رئیس الوزرای آلمان

مصائب ترك هستی نگفت ، روح زنده آن نیز دوباره بوضع جوانتری تجدید شد ، و بواسطه تشکیل پارتی های سیاسی و نیم نظامی ملی و دیپلوماسی موشکافانه خود بقدر راست و قدمهای فراخ در صحنه سیاست عالم مقابل رقبای ظاهری و باطنی عرض اندام نمود ، و برویه تازه تری بسوی مقصود روان گردید .

در ظرف همین سالی که ماوقایع مهمه آنرا گرد می آوریم بزرگترین مسائل که از محیط آلمان بفضای عالم تراوش یافته عدم پرداخت غرامات و طلب تساوی سلاح است ، گویا ملت آلمان پس از چهارده پانزده سال بعد از هزیمت آلمانی در اثر استقامت و پانشاری با مجاهدات فوق العاده استعداد آن را بهم رسانید که شکست و ریخت ظاهری و معنوی خودش را ترمیم و مالک يك حکومت غیرور و فداکار مثل حکومت هتلمر گردیده سلاسل معاهده و رسای را پاره کرده برای یکبار بل تکرار صدای انکار تادیبه غرامات و تساوی سلاح را از خنجره قوی بایک لمن آزادانه اصرار آمیز در مجامع مهمه دنیا اظهار نماید. کسانی که وضعیت آلمان را بعد از جنگ در نظر گرفته و باانتدار موجوده اش تطبیقاتی دهند میدانند که این اقدامات امر سهلی نیست چنانچه تحمیلات و مصایب هم که پس از جنگ عمومی و معاهده و رسای برین ملت واقع گشته خلی از مشقات و مهیبتی نبوده ،

بهر حال نخبه‌ين موضوع نوشتن ما درين مبحث مسائل غرامات جنگ است و يقيناً اين مسئله هر چه رودت‌شن ترش بتأيد قول ما اهميت اوضاع آلمان را خوبتر ظاهر خواهد ساخت .

غرامات جنگ تا كتون بميزان ابتدائی خود باقى نمانده و در هر سالى تيدلانى دهنه بلکه در اوائل تعيين مقدار آن نظريات مخالفى بوده مثلاً بدوآ در ۱۹۱۹ بحساب فرانسه كليه مبلغ غرامات را بالغ بر ۲۰۰ مليار دلار نوشته اند، و به نظريه امريكا ۲۰ مليار دلار، تا آنكه تعيين يك ميزان حقيقى و معتدلترى كه بكلى اسباب انتكار آلمان‌ها ننده و قابل برداشت آنها باشد بكميسيون غرامات محول شد و از كميون در اوائل سال ۱۹۲۱ جمله مبلغ پرداختى آلمان يك صد و دو مليار مارك طلا بانفع صد پنج معين گرديد .

قرار فزل اكثر جرائد چون در ۱۹۲۲ و ۲۳ فشار غرامات سبب تجزيه رن و تسليم آن بفرانسه گرديد امريك و انگليس يك اندازه از اظهار تأثر خود دارى نتوانسته و تجويد نظر اين قرار داد را هم خواهش نمودند ، تا وجه پرداخت غرامات بحساب صحيح ترى با قدرت و توانائى آلمان توافق داشته باشد ، اثر اين كفتكويان داويس را روى كار آورد و در ۱۹۲۴ مورد قبول متفقين گرديد ، اين نقشه هم بواسطه كسه اقساط اوائل او سهل و اواخرش مشكلتر شده ميرفت چندان همدردى با آلمان كرده نتوانست بلکه آن دولت را به ساير قروض خارجه نيز مبتلا گردانيد .

متعاقباً در ۱۹۲۹ پلان يونك تشكيل و مواد مرتبه آن در ۱۹۳۰ بشعوب رسيد و اين نقشه قروض را بدو قسمت تعيين كرده بود يكي مربوط باقساط ساليانه و ديگرى غير مشروط كه بهيچ موردى ممكن نباشد تابع استمهال بشود و اين ترتيب هم بنوبه خورد در اقساط اخيراً اضافه تر ميگرديد .

غرض در شرف اين اوقات بهر پايه كه متفقين در اول مرحله تشدد داشتند بعد تر ملایم تر شده و به ترتيبات متنوع سهل ترى مانند سهولت ابتدائيه قرار داد داويس اقساط طولانى تر يونك ، فكر تجارت به پول غرامات و تاسيس بانك بين‌الملل طالب غرامات گرديدند، بالاخر گذشته از اينها سر تشويق را پيش گرفته و بزرگترين مابه تشويق تخليه رن را در ۱۹۳۰ قرار دادند ، اما بحران هاى مهم عمومى دنيا كه درين يكي دو سال اخير شروع شد و كسر فاحشى هم در بودجه آلمان رخداد آلمان ها را علاوه بر سر تنگانى از پرداخت غرامات و اصرار در استمهال به بعضى افكار و تحريكات ملي و سياسى نيز متوجه گردانيد ، چنانچه اتحاديه گمركى (۱۹۳۱) بين آلمان و اطريش نتايج همان تحريكات بود كه آلمانها بهانه چاره هاى اقتصادى گرفته و مجامع فرانسه بنام اتحاد سياسى آلمان و همجوار هاى او تعبير كرده و بجدى مخالفت كردند تا مساعى آلمانها دران زمينه عقيم ماند .

مقارن اين اوقات در اواخر جون ۱۹۳۱ در اثر مذاكرات برونگك صدر اعظم آلمان و وزير خارجه آن ، هور رئيس جمهور امريكا پيشهاد يك‌كاله مهلت نمود و چين اين مهلت هم بهبودى اوضاع آلمان را تأمينه نمود در جنورى ۱۹۳۲ صدر اعظم آلمان صريحاً اظهار داشت كه دوات آلمان پس از اتمام مدت مهلت هم ديگر توان تحمل غرامات را ندارد و همين پيشهاد متعاقباً در اپريل همان سنه از طرف وزير ماليه آلمان تأيد و تقويت گرديد، تا اخيراً در ۷ جولائى ۱۹۳۲ كه مصادف است با ۱۲۷ سرطان ۱۳۱۱ مسئله غرامات در كانفرانس لوزان بترتيب ديگرى خاتمه يافت، يعنى در زمرة پنجم قهقه قطعه‌هاى كه دران كانفرانس با مضاى دول شمولين مجلس مذكور رسيده يكي

قطعه نامه مربوط به عدم پرداخت غرامات است و نتیجه چنان ظاهر شد که آلمان بوسیله بروات و قبوضیکه مجموع آن ۳۰۰۰ میلیون مارك باشد مبلغی پرداخت خواهد نمود ولی نه در ۳ سال اول و دول طلبکار در قسمت مصارف این وجه اختیار دارند که بوقع مقتضی با تصمیماتی که در لوزان بنام ترمیمات اقتصادی اتخاذ گردیده اقدامات لازمه بعمل آرند .

اگرچه متأسفانه در امتداد مدت ۱۲ ساله یعنی از ۱۹۱۹ تا سال ۱۹۳۱ میزان صحیح مجموع پرداختی آلمان طوری که قناعت نویسنده را حاصل کند معین نشده چرا که نشرات جراید داخه و خارجه جائی میزان پرداخت کلیه غرامات را ۴۵۷۸ میلیون مارك نوشته اند و جائی ۳۰۰۰ میلیون دلار ؛ بهر تقدیر هر چه باشد ولی مسائلیکه برای تادیبه دیون و یا هنگام پرداخت، آلمان هارا دچار سختی ها و فلاکت های اقتصادی نمود یکی قروض سنگینی است که از خارجه برای اصلاح وضعیت اقتصادی خویش گرفتند، میگویند در بین سالهای ۱۹۲۴ و ۱۹۳۰ در حدود هفت میلیارد دلار سرمایه های خارجی داخل مملکت آلمان گردید .

موضوع دیگری که این دولت را در پرداخت غرامات ناتوان ساخته و از قوای طبیعی اوکاست تجزیه و انتقال بعضی حصص و مستعمراتی آن خطه بقیومیت متفقین بود که کلاً متجاوز از ده میلیون مربع اراضی بیشتر حصص مستعمراتی در افریقا و قسمتی در اقیانوس کبیر بوده قسمت های معادن : آهن ، سرب ، روی ، ذغال در اثر جدا شدن الزاس لورن، تقسیم سلزی علیاء، تولیه و قزوین موقت حوضه ذغال راین یا سار بفرانسه و غیره از دست آلمان ها رفت ، محصولات فلاحی در صد (۱۵) بدولت لهستان منتقل گردید همچنان بعضی مصاد تجارتی با مستعمرات دور از آلمانها مانند بالخاصه تجارت بخریه و امتیازات آن در چین سیام مراکش و غیره منسوخ شد اینها همه خسارات اقتصادی است که برای آلمان ها زائیده جنگ مانده و در وقت عسرت خرید فشار گردید. از قضیه غرامات که بگذاریم تحدید سلاح و تقلیلاتی که در نظام وارد آمد هم بنوبه خودش خالی از مصائب ملی و شکست سیاسی نبوده مثلاً خدمتین عده عساکر بصد هزار نفر ، منع گرفتن نظام اجباری و نگهداشت عسکر احتیاطی ، محرومیت اسلحه سنگین از قبیل تانک ها ، توپخانه سنگین ، گاز ، هوا پیمائی جنگی و غیره که شرح و بست آنرا در اینجا اگر بنویسیم تکرار خواهد بود و در قسمت کانتفرانس خلع سلاح تفصیلاتی داده شده فقط آنچه قابل ذکر است اقدام و اصرار رسمی آلمان در طلب تساوی سلاح میباشد بعد از فراغت مسئله غرامات که در ختم کانتفرانس لوزان تا اندازه افته و تسهیلاتی به احوال آلمانها فراهم آمد شروع مذاکره بجامع دنیا و آغاز قلم فرسایی در جرائد به نسبت نوبه جرمنی بفرانسه و بعد در امریک و انگلستان از نیمه ساله ۱۳۱۱ به بعد است (ستمبر ۱۹۳۲) چنانچه نطق فون پاپین صدراعظم آلمان که بوسیله بی سیم ایراد گردید مؤید آنت : سیستم غرامات گذشته سپری شده و ضمناً بانظر تحسین باید اظهارات سابق جنرال سچاپیر را تکرار کرد دایر بر اینکه بی عدالتی که در وضعیت کنونی تسلیحات وجود دارد برای آلمان غیر قابل تحمل است .

باینها آلمان از طرف دول ذی علاقه درین موضوع چندان جواب فصیح و به تصدیق نفعید چرا که دول طرف مقابل گاه بغموشی گذرانیدند و گاه به مطنه مشوره نمایندگان خلع سلاح حواله نمودند، حقیقه جواب این سؤال آلمان را از مذاکرات کانتفرانس خلع سلاح خوتر میتوان فهمید. برگردیم به قضایای اخیر که در آلمان رخ داده و اینهم در سیاست عالم خالی از تاثیر نیست، موقعیت هتلر بریاست وزرانی مملکت آلمان چنانچه پیشتر گفتیم باموضوعات غرامات و طلب تساوی تسلیحات ارتباط تامه دارد بلکه اگر نظری بسوابق حزبی آلمان و تمیزت قدیم تر حزب نازی بیفکنیم آن دو موضوع اولی را نشأت یابنده همین مقصد متأخراند کر خواهیم یافت .

هتلر سر دسته حزب نازی با ملیون سوسیالیست است، سازمانه حزب هتلر که تقریباً ۶-۷ ماه پیشتر در جرائد وطنی هم انتشار یافته سرکب از ۲۵ ماده و مقاصد مهم آن عبارت اند از تساوی حقوق آلمان، استرداد آراضی متصرفه سابق او، الفای معاهدات اسارت آلمان، مبارزه با منافع خارجی و طرد اتباع خارجه از وطن، رواج قمعون اجباری بالاخره ایجاد روح وطن پرستی و غیره چیزهاییکه به بزرگواری آلمان تعبیر شود. در عالم سیاست کمتر فکری کامیابی هتلر را برتبه ریاست وزرائی در کابینه آلمان حدس میزد علاوه بر جمیع سیاسی مخالفین خارجی این دوات احزاب، سیاسی داخلی هم از کوچک و بزرگ مخالف و رقیب او شناخته میشدند حتی شخص رئیس جمهور در اوائل به هتلر نظریات نیکی نداشته مع هذا هتلر تمام این موانعات را بجهت خستگی تا پذیر خویش و قوای طرفداری نازیها از پیش راه ترقیات برداشته و بعزم دیرینه خود فایز آمد.

فتارهای تا قابل برداشت بعد از جنگ و وضعیات اخیره آلمان مقتضی همین سیاست شد که برخلاف رویه معتدله اوائل برای تحویف حرفان و جلب توجه آنها در تسهیلات آینده خویش از سیاست های احزاب تندرو پیشتر کار بگیرند.

انتخاب هتلر ریاست وزرائی آلمان دول ذی علاقه و یا هم چشمان آن را بسیار بهیجان آورد، آنها تنها بروی کار آوردن این کابینه را از زمره تند رویهای آلمان حساب نمی کنند بلکه از آغاز کابینه فون پاپین تغییر با رزی در سیاست آلمان دیده و عقیده دارند کابینه های چند سال پیشتر آلمان معتدل و زمامداران متکی بحزب سوسیال دموکرات بوده و بمناسبات هر موقعی تمیلات خود را با لحن ملایمی ظاهراً میساخته گویا مصادر امور رضا نداشتند اختلافات و تنفر جدیدی بروز کند کابینه فون پاپین و بعد از آن کابینه فون سچلیشر در حالیکه هم وزارت حرب و بحریه را داشته و هم ریاست کل قوای اجرائیه مملکت را دارا شد تغییر کلی در اوضاع داد، در صورتیکه فون پاپین و فون سچلیشر در حالت بحران های مالی و سیاسی آلمان تندروی داشتند کابینه هتلر که از نقطه نظر جریانات اخیره و مرام قدیمه حزب او براتی باید شدید تر باشد آنها در اوقاتیکه وضعیت سیاسی و مالی آنها روبه بهبودی است و بار سنگین غرامات هم با آنها آزاری نمیرساند شاید پیشتر اسباب نارضائیت اطراف مخالف را فراهم نماید.

درین تراکم اطلاعات خارجی و واقعات داخلی آلمان چیزی که متفحص را بر اوضاع و خیم آینده متوجه میسازد اینست که مخالفین و مخوفین موجوده که سر دسته آن فرانسه و لهستان و بعد انگلیس است عاجز خراهند بود از فراهم آوردن اتحاد قوا و اعداد همالکی مانند متفقین قبل از جنگ، تا بتوانند با آن ذریعه باز آله تهدیدی برای آلمان حاضر آورده و از خطرات آینده جلوگیری نمایند، چه حوادث داخلی آلمان در ۶-۷ ماه اخیر سال ۱۳۱۱ از قبیل شور و غوغای احزاب مختلف، مخصوصاً نایشات جم غفیری متجاوز از يك لك نفر کلاه فولادی ها در حضور و تبعید سابق آلمان، توازن حزب نازی و سوسیالیست در انتخابات که نتیجه آن تغییرات کابینه ها و تعلیم اجباری در مملکت و ترزیق فکرافشاء معاهده و رسای در روح طلاب مدارس، بالاخره جریان ساختمان آلات و ادوات حرب و بسا اعمال دیگری که از نظر دنیا پوشیده است همه تعقیب مفکوره هائیت که بایستی اساس جمهوریت را متزلزل ساخته و جامعه آلمان را بسوی امپراطوری و مطلقیت سوق بدهد و قی که اتاده وضعیت قدیم و یا انجام آرزو های آتیه آلمان از تصور به صحنه عمل و ثبوت رسیدنی باشد اکثر

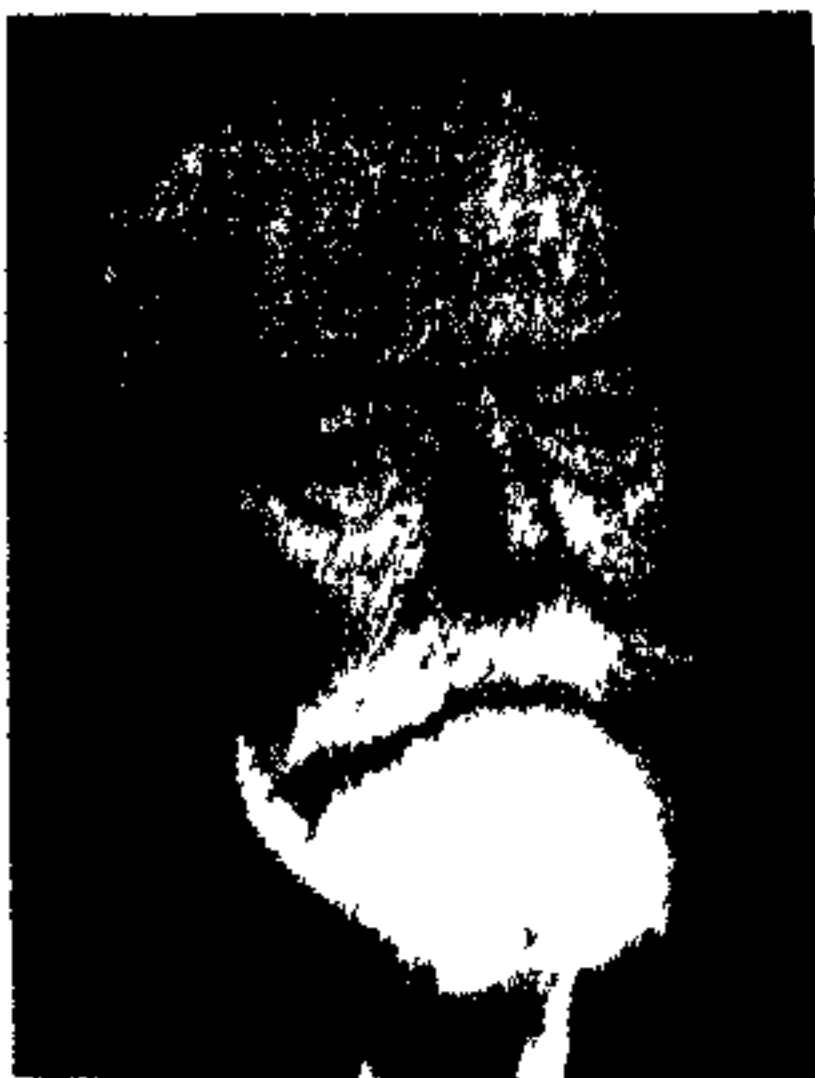
ملل دنیا بالحاصه مخالفین آلمان تا گزیر خواهند شد از ترس انتقام زره پوشیده و امکان نخواهد داشت بوضعیت ساده و آرام موجوده خود ها قانع بمانند .

مقتولین راه سیاست :

از جمله واتعات قتل و قتلای که در ظرف سال ۱۳۱۱ بدنیای اتفاق افتاده مهیتر آن که چالب توجه سیاسیون گشته کشته شدن (پول دومر) رئیس جمهور فرانسه و (انیوکا) رئیس الوزراء جاپان است و این هر دو قضیه همینطوریکه در تفاوت چند روز قبلی پیش و پس اتفاق افتاده چندان بعید نیست اگر در معنی هم بیک زمینه سیاسی اشتراك داشته باشد ، متأسفانه جراید هم به تعقیب نظریات دوایر سیاسی منسوبه فرانسه و جاپان طوری که شایسته مقام آنها باشد کجکاوی و اظهار نظریه نه نموده اند . مسیور دومر در ۶ می ۱۹۳۲ (۱۷ ثور ۱۳۱۱) هنگامیکه در تنابش سالیانه کتب از اطلاق به اطلاق دیگر میرفت از طرف گور گولف روسی (که در نژاد سفید و سرخ بودن او اشتکاک است) هدف چند فیر تفنگچه گرفته شده مجروح و در ۷ می بشناحانه پدرود حیات گرفت . دولت فرانسه و مصادر کابیه امور آن تنها باسنطاق قاتل و اعدام آن اکتفا ورزیده و در اقدامات دیگری علی الظاهر متشبث نگردیدند .

آنچه در اسنطاق گور گولف از اقرار خودش ظاهر شده اینست که او مختصامت شخصی بارئیس جمهور نداشته و اقدام برین خیمه را اثر فکر مستقیم خودش گفته و بلکه برای دانستن ملت فرانسه صریحاً اظهار نموده که فکرش مقتضی آن بود تانه تنها روسیه بل تمام عالم بخصوص آلمان و فرانسه را از جنگ نجات داده و بر علیه آدم کشی مبارزه کرده باشد اخیراً اگرچه از طرف زن دومر نزد رئیس جدید جمهور فرانسه در خواست عفو او هم گردید اما مشار الیه شخصاً تقاضای عفو نکرده و آرزو داشت مانند سرمازی تیر باران گردد .

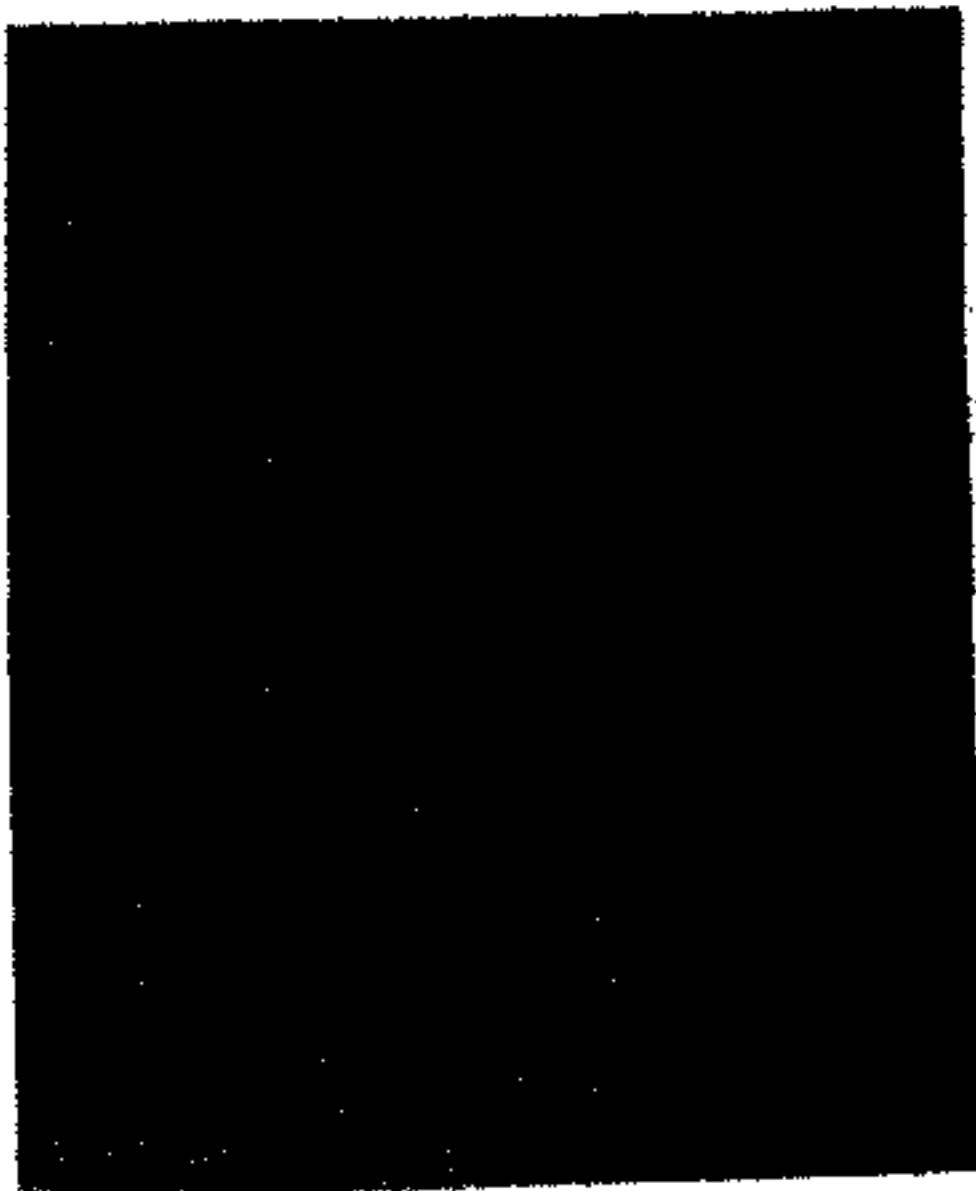
هر حال نظر شخصیت دومر قتل او در داخل و خارج فرانسه قسمت های بسیار : الك و ملل را تحت تاثیر آورد . انیوکا رئیس الوزرای جاپان در روز ۲۶ ثور ۱۳۱۱ در حین ملاقات او با شخصی به اقامت



رئیس موصول فرانسه بل دومر

گناه رسمی اش بچند فیر تفنگچه مجروح و شب بیست و هفتم فوت نمود ولی قاتل منه کور تنها نسوده و بر کمره ۱۸ نفری که همه لباس های عسکری در بر داشتند برو حمله نمودند و همچنان چندین نفر دیگر که حاضر اقامت گناه رسمی او بودند با شخص ملاقات میکنند مجروح گردیدند و هم شاه روزمه کور پنج مرتبه حدنه

به اندازی از جانب اشخاص مجهولتی بوقوع آمد که همه ملبس بلباس عسکری بری و بحری بودند ، از جمله نقری فیر کننده پنج نفر که خود را تسلیم پولیس نمودند بلو کتشرهای نظامی و ۱۳ نفر دیگر از شاگردان مکتب حربیه شناخته شدند ، اخیراً در نتیجه تحقیقاتی اساس این اقدام از طرف ملکی ها ظاهر گردیده و هم بعضی جراثید به پارتی کمونستی نسبت میدهند ولی نتیجه روشنی که حاوی اثرات آن در سیاست خارجه و داخله ژاپونیا باشد چندان بدست نیامد مع هذا چون قضایا در هنگام کدکس های چین و جاپان بوقوع رسیده و شخصیت انبوکا نیز در محیط جاپان حایز اهمیتی بوده است بی شبهه توطئه قتل او دور از تحریکات چینی و مداخله دول ذی نفع در چین مشناخته نخواهد شد .



رئیس الوزرای مقتول جاپان انبوکا

مناقشه ایران و انگلیس در سرانقت :

تیره گیهای مختصری که درین سه چار ماه اخیر سال بیست دو دولت متحد مشرق و مغرب واقع شده و سبب خرابی یا برهم زدن يك روابط حسنه و بسیار پایداری گردیده و یا خواهد گردیده ، مسایل الغای امتیاز کمپانی نفت انگلو پرشین میباشد از طرف ایران ، چون بظاهر حال اسم و رسمی از الغای يك امتیاز یا طرف شدن يك دولت با يك کمپانی داخلی در میان است شاید خوانندگان مهترین وقایع دنیا در نظر اول آن را چندان قابل اعتنا و اعتباری ندانند اما وقتی دقیق شده و بکنه مطلب رسیدند میدانند فقط جنوب اگر در نظر ایرانی ها بزرگترین سرمایه و موجودیت طبیعی ایران بحساب رفته ، کمپانی انگلو پرشیا نیز که ذریعه ایصال این مناقع بدولت انگلیس شناخته شده در جای خود بلندتر ازین قدر و منزلت را در نزد انگلیس ها خواهد داشت . چه مفاد نفت در دستگاہ حربی انگلیس روح وهستی قرائی قرار یافته که بهمان قوا انگلیس ها نازیده و سیادت بحری خود شان را در دنیا میخواهند



جناب ناورد وزیر مدلیه و نماینده ایران در مجمع ملل نسبت بخصیة نفت

ثابت کننده در اینجا گذشته از اینک حاصل نفت را که موضوع مذاکره شده قابل اهمیت بنداریم آنچه ازین هم مهمتر بشمار می آید اقدام فداکارانه ملتی از ملل مشرق است که برای احیای حقوق خویش با وضعیتی فوق التصور مقابل یکی از دول استعماری معظمه اروپائی حاضر مبارزه شده و مقاومت می نماید .

اگرچه آغاز مناقشه دولتین راجع بالفای کمپانی انگلوپرشین بطور رسمی و علنی از اوائل ماه قوس ۱۳۱۱ می باشد ولی جراثید ایران از اوایل سال یعنی از ماه جوزا باینطرف مباحثی در اطراف عراید نفت وقت پرداخت سهمیه ایران از طرف این کمپانی در عالم مطبوعات افتتاح کرده و از هر قلمی بوضع واسلونی جدا گانه مطالبی می نوشتند اما لهجه های اوائل بسیار ملایم بوده و برضد حثیت و شدت کنونی است که از طرفین تعاطی میشود .

مبداء اعطای این امتیاز نفت از سال ۱۳۱۹ قمری یا ۱۹۰۱ مسیحی است که دولت ایران در دوره سلطنت مظفرالدین شاه مناطق نفت خیز جنوب ایران را در ازای ۲۰ هزار پوند نقد و ۲۰ هزار اسبام بوعقد ۶۰ سال بمسئول داری استریائی واگذار گردید ، و از ۱۳۲۱ قمری که داری امتیاز خود را بیک شرکت انگلیسی دارای ششصد هزار پوند سرمایه فروخت تا سال ۱۳۲۷ شرکت های دیگری روی کار آمده ، مداخله انگلیس در آن قویتر شده و تعداد سرمایه هم افزونی گرفت تا شرکت انگلوپرشین با سرمایه چهار میلیون و دو صد هزار پوند قایم شد و همچنان مساحت مناطق نفت خیز هم از یک میل مربع به پنجصد هزار میل مربع توسعه یافت در حالیکه اصلاً مساحت سطحیه ایران را ۶۲۸ هزار مربع میل می نویسند گویا قسمت بیشتر اراضی ایران در زیر استیلا و نفوذ این امتیاز می آمد و همین حالت تا انقضای شصت سال بایستی دوام ورزد .

با اینها سهم دولت ایران پس از وضع مصارفات شرکت از عوائد خالص صدی ۱۶ معین شده بود که دولت کنونی ایرانی اخیراً این مبلغ را علاوه بر مصارفات بودجه عمومی بطور ذخیره نگه میداشت ، تا برای بهبودی و موازنه اقتصادیات ازان کار بگیرد ولی در ۱۹۳۲ آنچه بابت محصولات سال (۱۹۳۱) سهمیه ایران و شرکت مذکور معین نموده دارای یک نازل فاحشی است در صورتیکه دولت ایران بابت سهمیه خودش از محصولات ۱۹۳۰ یکمیلیون و ۳۰۰ هزار پوند از شرکت اخذ نمود درین اواخر بابت ۱۹۳۱ ، کمپانی انگلوپرشین سه صد و شش هزار و ششصد و هفتاد و دو پوند تقریباً چهار برابر کمتر از شان بیشتر حق المسهم ایران را معین گردانید .

دولت ایران که فقط از بدو سلطنت شاه پهلوی بدینطرف برای بر انداختن بعضی امتیاز های سنگین و استقلال شکن مانند الغای کاپیتولاسیون از ایران ، فسخ امتیاز بانک انگلیسی ، منع بعضی امتیازات ریلوی انگلیس در دزداب و غیره مقتدر گشته و بشجاعتی تمام در پاره کردن اوراق بوسیده و مضرة ایران اقدام می ورزد ، از مدتی کمپانی انگلوپرشین را نیز منافی مفاد و مصالح ملی و مملکتی دانسته و در صدد بودندت قوه و موقی بدست آورده وسیله ییابند تا این امتیاز را نیز ملغی و منسوخ نمایند ، چون وضعیت چند سال پیشتر آنها مقتضی چنین ادعائی نبود مسئله را مسکوت عنه گذاشته بودند درین اواخر که از طرفی تغییر و ترقیاتی در طرف اداره دولتی و اقتدار ملی و سیاسی آنها رخ نمود و از طرفی هم این حرکت کمپانی صدمه با اقتصادیات مملکتی و شئونات اداری آن وارد آورد زعمای امور ایران را سخت متغیر و متأثر ساخته بر آن وا داشت تا این قلت پرداخت را علی الظاهر وسیله گرفته و در الغای امتیاز کمپانی مذکور اقدام نمایند ، همان بود که از تاریخ پنجم

آذر (قوس ۱۳۱۱) اعلامیه در الغای امتیاز نامه داری باصر شاه پهلوی از وزارت مالیه ایران بنام کمپانی انگلوپرشین صادر گردیده و بلکه درخانه آن متذکر شدتد: «نظر با آنکه دولت ایران قصدی جز تأمین منافع مملکت ندارد اگر کمپانی نفت انگلیس و ایران بر خلاف گذشته حاضر شود منافع مملکت را مطابق نظر دولت ایران برونق عدالت و انصاف تأمین نماید دولت ایران از اعطای امتیاز جدیدی بآن کمپانی اصولاً امتناع نخواهد داشت.»

مبارن این اوقات در اطراف این موضوع باب مکاتبه از سفارت انگلیس در ایران با وزارت خارجه آندولت کتوده شده مکاتب و یادداشتها فی مابین مبادله گردید ، از آخرین مکدوب ۱۷ آذر (قوس) سفارت برطانیا ظاهر است که تمیيات آندولت در روی این سه اساس قرار میگيرد : یعنی انگلیس ها در مرحله اول الغاء قرارداد یکطرفه را خلاف قانون بین الملل دانسته تصدیق نمکرده خود را مجبور می دانند برای حفظ منافع اتباع خویش موضوع را مورد اقدام قرار بدهند در مرحله دوم اخطار آنکه اگر در ظرف یکپفته یعنی تا ۲۴ آذر الغاء امتیاز را ایران حاضر نشود مسترد نماید انگلیس بدآوری بین المللی لاهه مراجعه خواهد نمود .

در مرحله سوم ایرانیها را مسئول تمام خسارات شرکت درحال و آئنده شمرده اند .

دولت ایران علاوه بر آنکه موضوعات سه گانه را جوابهای تردید آمیزی گفته اصلاً معاملات شرکت را از وقایع داخله دانسته و مداخله انگلیس ها را درین امر بیجا میداند و عقیده دارند که بایستی شرکت برای حل قضیه نماینده در طهران فرستاده و قرار جدیدی بگذارند ، اگرچه انگلیسها قبل از شنیدن جواب ایران و در حین مذاکره ذریعه مطبوعات خویش از آنچه لازمه تهدید هم بود دریغ نکرده و بتخویف ایران از گراو زره های مهیبه که در خلیج فارس و سواحل هند منتظر امر داشتند تذکری دادند ولی ثبات ایرانیها و مخصوصاً اشاره جریده شفق باینکه : (در وضعیت حاضره گلوله اولی که از یکطرف بطرف دیگر فیر کرده شود جنگ عالمگیر را دعوت میکند) به امید واری انگلیس از راه اقدام مسلحانه خاتمه داد .

متصد ، ایران ته به استرداد الغای کمپانی رضاداد ونه مسئولیت خسارات را پذیرفت بلکه بدآوری بین المللی لاهه هم حق رسیده گی درین امور را قابل نشد تا آنکه این قضیه به توافق نظر دولتی بشورای مثل در ژنو حواله گردید و مذاکرات مذکوره در حضور نماینده گان دولتی که از طرف ایران آقایان داور وزیر عدلیه و علا وزیر مختار سابق ایران در پاریس و از طرف انگلستان وزیر امور خارجه و مشاور عالی قانون آتوزارت بودند مطرح گشت ، تفصیلات غالباً همان مقولاتیست که در یاد داشت ها تذکر داده شده اضافه بر آن انگلیس اصرار دارد : از طرف شرکت قصوری واقع نشده و حتی در طرف این مدت سی سال متجاوز از (۱۱) میلیون پوند بایران پرداخته و آئنده هم بایست تا ۱۹۶۱ که معاد اصلی انقضای شرکت است مداومت ورزد ، ایران برعکس ، نظر بمنافع کثیره انگلستان از حق طبیعی خود این مبلغ راشی ناچیز پنداشته و اظهار دارند که شرکت هیچ وقتی ایران را حق مداخله در رسیده گی امور محاسبه نداده و نمی دهد و همیشه بمخارجات کزاف خساراتی بمنافع ایران وارد می آورد بالاخره بهیچ صورت باین قرارداد رضایت نداده و میگویند از گذشته ها هم این قرار داد بغشار بر ایران تحمیل شده و فعلاً هم موافق مصالح دولت و ملت مانیست ،



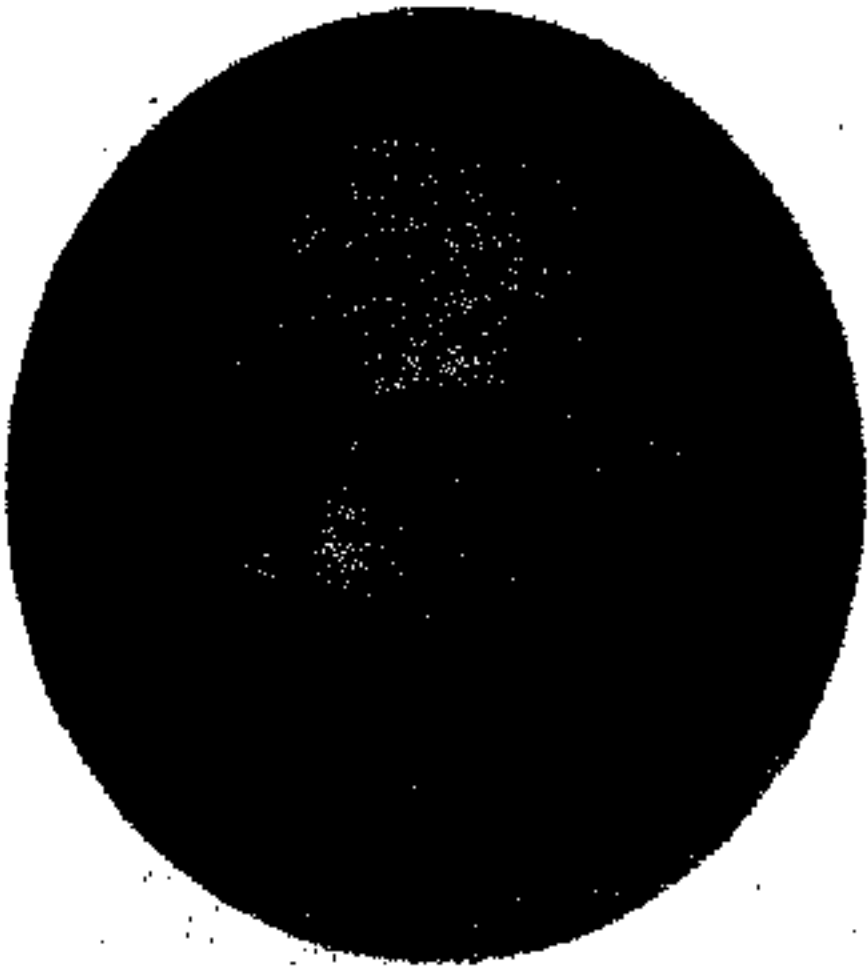
رئیس مکتد صدر اعظم برطانیہ
خزب لیبر



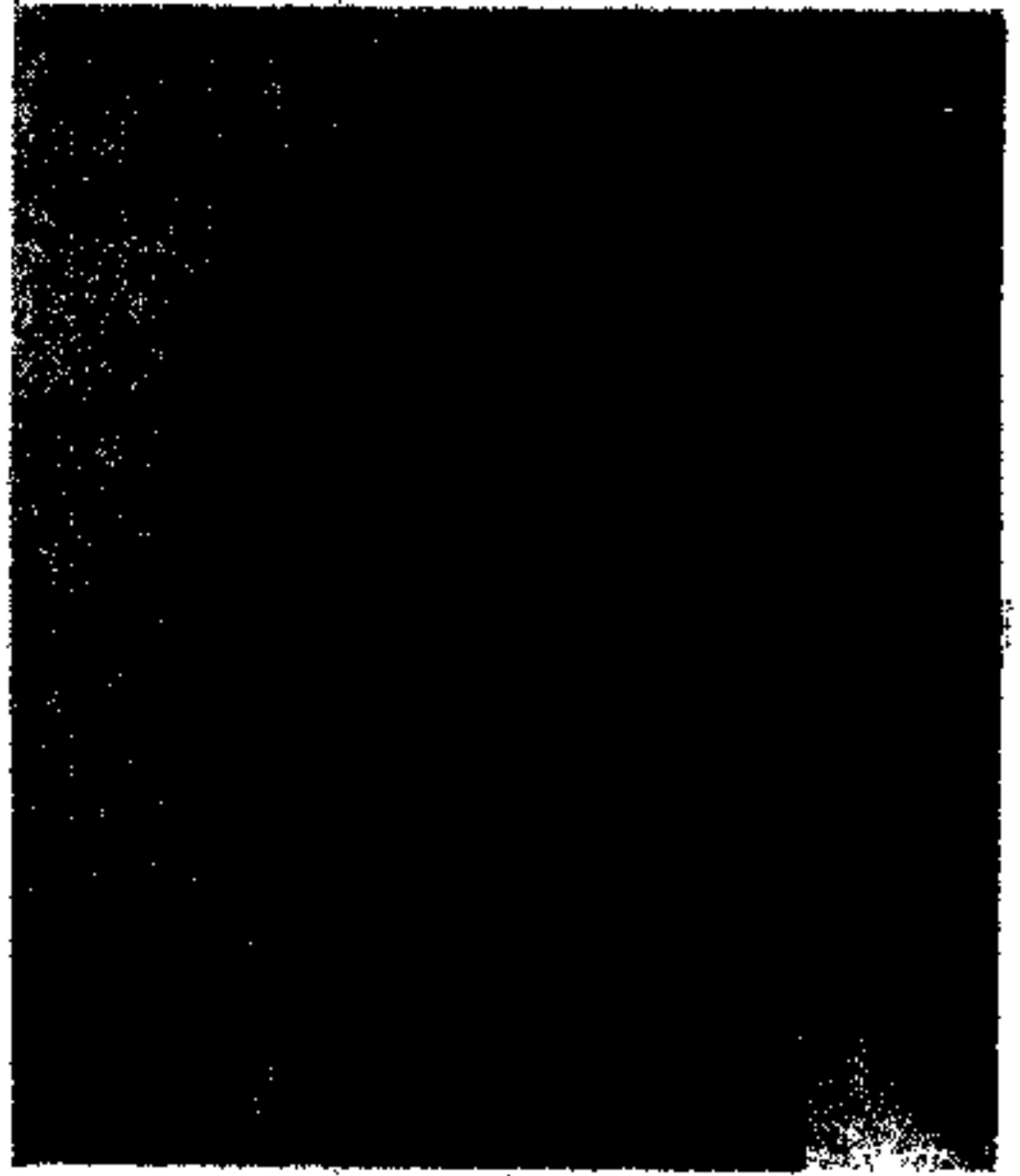
سرطان سائن وزیر خارجہ
خزب لیبر



سر سیمون بور وزیر ہنس
خزب کنزرویٹو



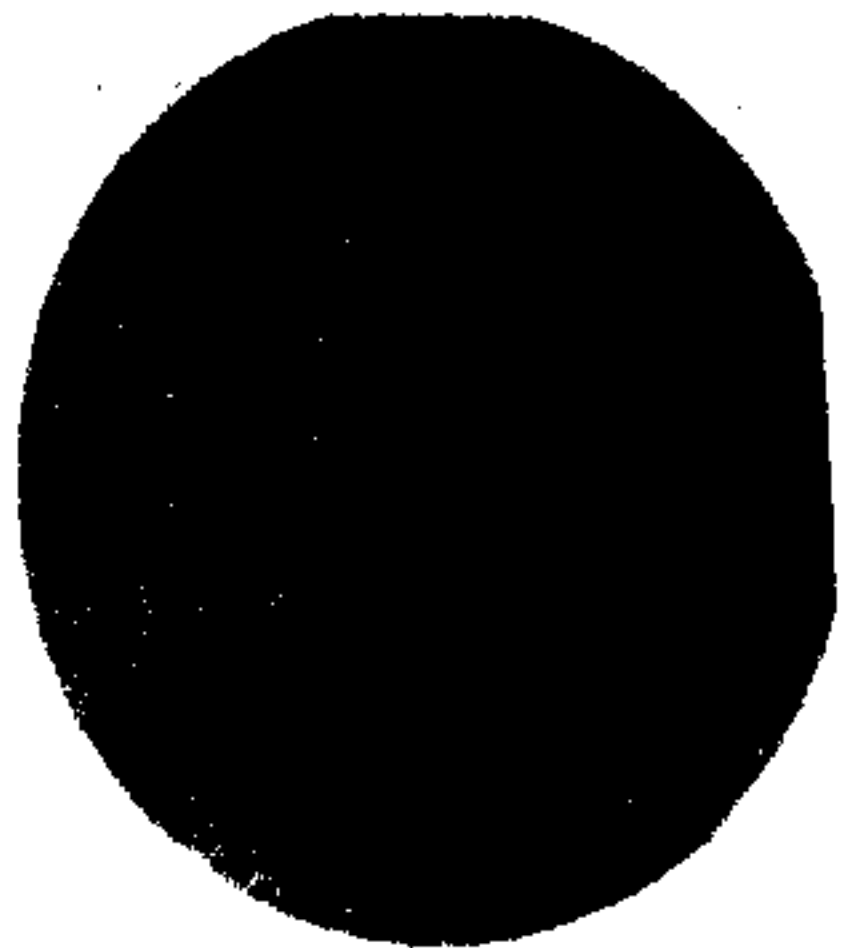
سرتیج بهادر سپرو
نماینده حزب لبرل فدریشن



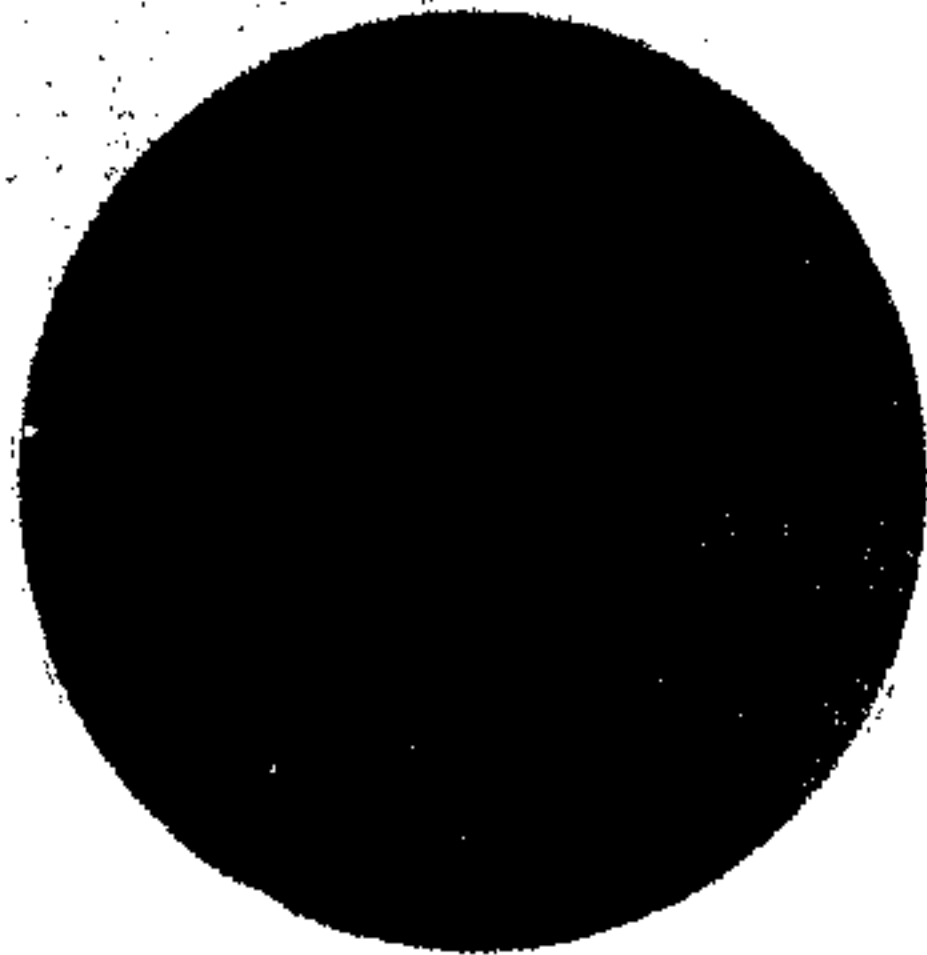
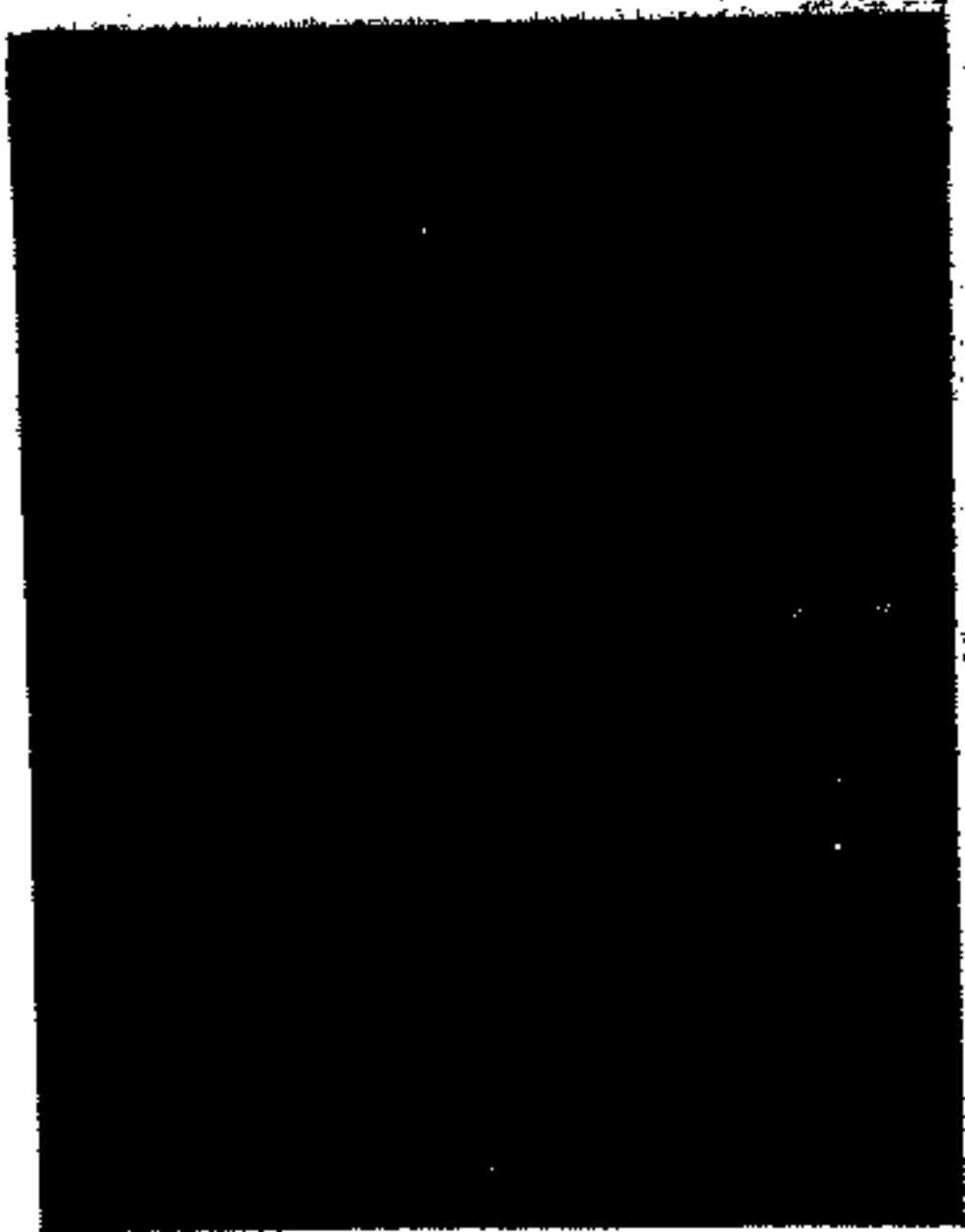
جوہن داس کرم چند گاندھی
نماینده حزب کانگریس



پندت مدن موہن مالویہ
نماینده حزب ہندو مہا سبھا

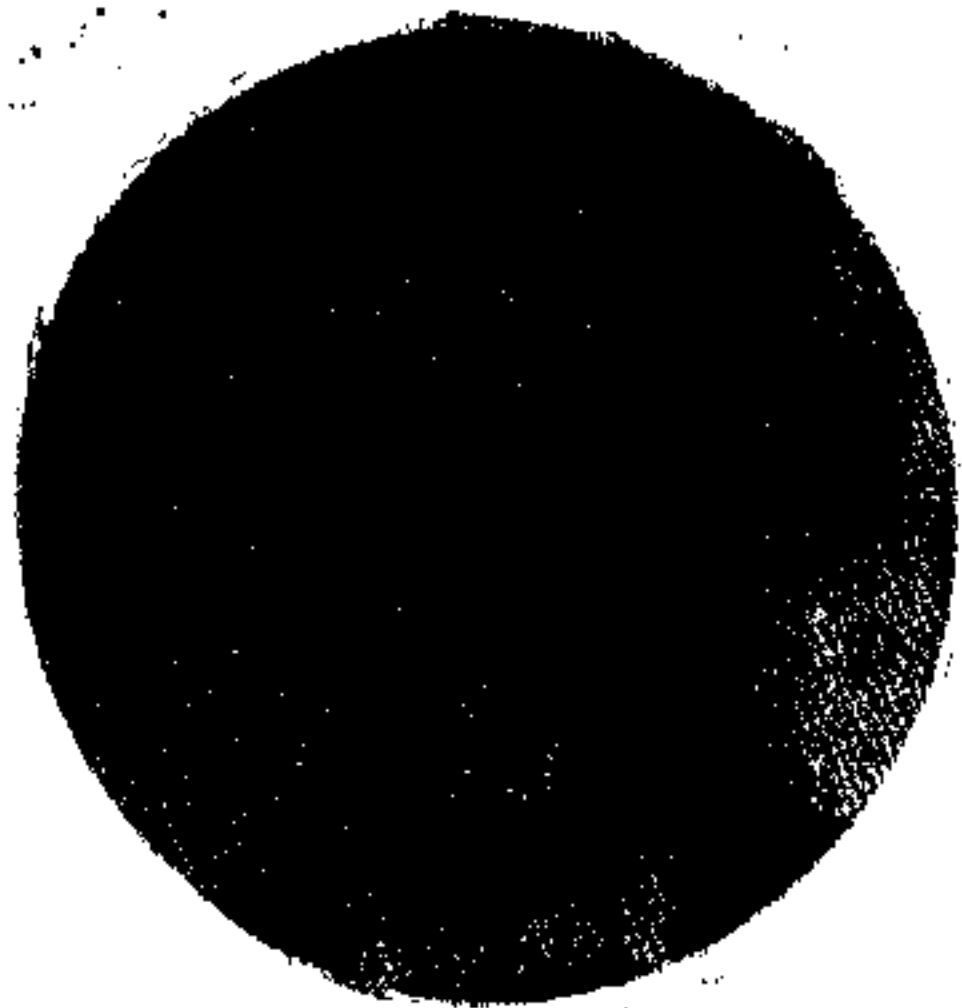
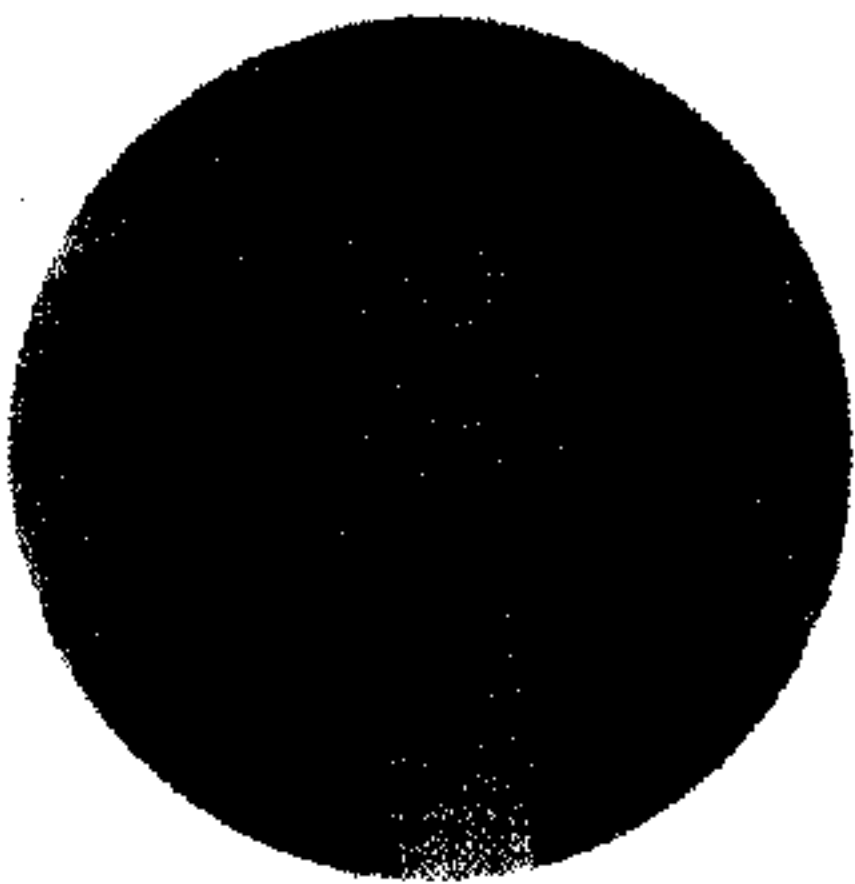


سروجنی نیندو
نماینده نسوان



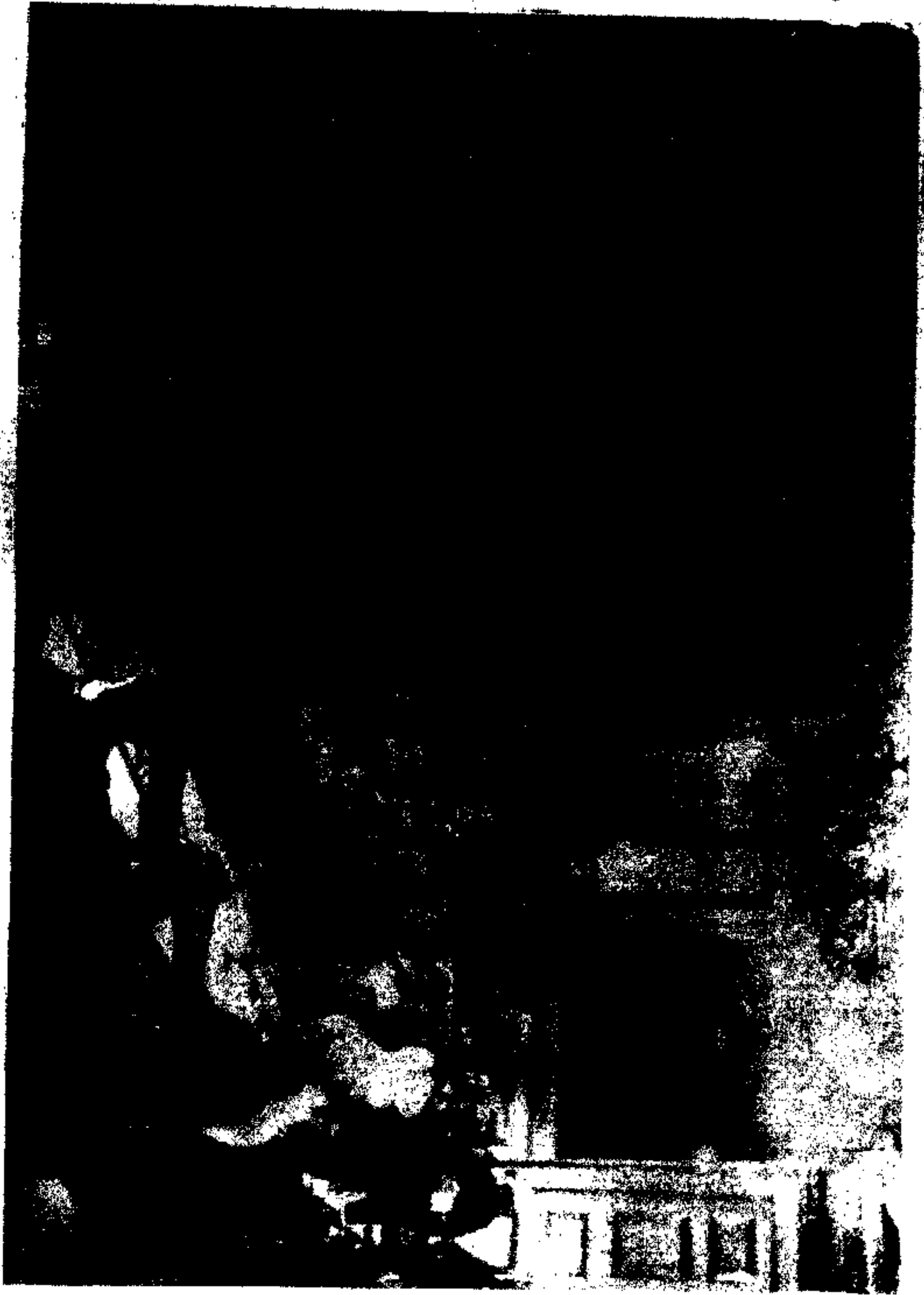
والاحضرت سر آغا خان

سر محمد اقبال صاحب



داکتر امبیدکر
نماینده اچوت غیر قابل لمس

سرفیروز سیپهنا
نماینده فارسی نای هند



اطلاعاتی که اخیراً از مطبوعات گرفته شده گویا در اوائل فروری ۱۹۳۳ (۱۳- ۱۵ دلو) اطمینان رئیس و شورای بین‌المللی بجل و اصفیه قضیه مذکوره بوده همچنان قرار هائیرا که از نقطه نظر موافقت دولتی برای آینده پیش بینی شده بدیترار منتشر داشته اند :

۱ - موضوع مشاجره را تاجله که در ماه می ۱۹۳۲ انعقاد شود مسکوت عنه بگذارند ۲ - شرکت باحکومت ایران شامل مذاکره شده و مواد قانونی را پوشیده نگه خواهند داشت ۳ - نظریات نیرمخفی خواهد بود که اگر به نتیجه منتج نشد باردیگر تقدیم مجلس و در آن وقت هر کدام از نمایندگان مجلس با آزادی از حقوق خویش دفاع خواهند نمود ۴ - ادامه عمل شرکت انگلو پرشین است بموجب تلگرام ۱۹ ستمبر ۱۹۳۲ حکومت ایران الی هنگامیکه نتیجه قطعی از مذاکرات بدست آید .

بهر تقدیر اگرچه نتیجه قطعی و خاتمه منصوص به آبه موکول گردیده اما ملایمت های موجوده انگلستان و پافشاری های ایران درین جریان معاملات و مذاکرات تا اندازه مطالب را تصریح داشته و باین پایه مطالبین را مجاز خواهد دانست که رجحانیت مطلوب را بک حدی بطرف ایران پیش بینی کنند چه از طرفی رویه انگلیس ها ظاهر ساخت که آندوک بواسطه که ایران را در عالم سیاست در مقابل خود تنها نمی بینند از استعمال قوای مسلحانه خودداری نموده به تدابیر دیگری خواهند پرداخت و از طرف دیگر آنچه مقدمات آرزوهای ایران بود رو به تأمین می رود یعنی بر علاوه آنکه اصفیه مناقشه از داوری بین‌المللی لاهه منصرف شده و به داوری ملل توایه گردید و در شورا مداخله انگلیس به امور شرکت بحق و رسمی شناخته نیامد، در عرض حضور یک نماینده شرکت برای مذاکره در طهران رئیس شرکت حتی وزیر امور خارجه انگلیس تصمیم به آمدن به طهران گرفتند اینها همه وسائلی هستند که جنبه ایرانی را قوی نشان میدهد فقط چیزی که در این مانده برداشتن اساس کپانی انگلو پرشین را بتصور نمی آرد، دلچسپی و علاقه مندی فوق العاده انگلیس ها است که هم ازین جریان وقایع بنظر می رسد، پس بجزئیات میتوان گفت اگر کپانی مذکور بکلی از میان نرود امتیاز داری بیقین ملغی شده و امتیاز جدیدی روی کار خواهد آمد که نسبت صد ۱۶ سهمیه موجوده ایران یکمیزان بلندتری برای آنتمسکت در آینده قایل شده و از همه حیث بتفع ایرانی ختم عمل یابد .

هند و کانفرانس میز مدور :

ملت کثیرالتعداد هند با آنکه از حیث وسعت اراضی و دیگر مزایای عدیده طبیعی بهره کافی داشته و مستعد همه نوع تمالی و ترقی هستند از مدتی بدینطرف فقط عدم استقلال ملک و مات خود را فاقد شئوناتی دانسته اند که بتوانند در ردیف ملل حیثه دنیا یا مقابل کوچکترین ممالک و ملل مستقل شرق قرار گیرند .

احساس این مسئله مهم بطور حتم در اولین مرتبه که عملی بشود بایستی مناقشه بزرگی را بین هندیا و انگلیس بوجود آورد چنانچه از عرصه تقریباً پنجاه سال است آزادی خواهی هندیا بدو بصورت یک مناقشه خفیه ظاهر گردید و بتدریج قوت گرفته تا این دو سه سال اخیر که فوق العاده کسب تشدد ورزیده است .

انگلیس ها تا کنون منکر آزادی هند نشده بلکه اعطای استقلال هندیا را بالتدریج قائل و بتدریج زمانه های طولانی حواله میدهند چنانچه وایسرای هند در ضمن اعلان انعقاد اولین کانفرانس صریحاً بیان نمود حصول درجه دومینون مقصود غائی طبیعی اصلاحات دستور اساسی هند میباشد . اما نظریه مطبوعات انگلیسی چیزی که هندیا را از قطع این رشته های طولانی مواعید و زود رسیدن بمقصود ناکام گذاشته اختلافات فرقی و حزبی است که آنها را دور از اختلاط و اتحاد مانده .

انگلیس ها بسال ۱۹۰۹ در هند برطانوی مجلس مقننه با اختیارات محدود انشاء و تعقیب آن پس از ده سال در ۱۹۱۹ قانون اساسی جدیدی از پارلمان لندن تصویب نمودند یعنی در هر مرحله و اقدامی ظاهر ساختند که اداره حکومت هند بصورت قانونی انجام میگردد و آنها هم برور در صدد ایفای وعده خویش هستند تا در اثر آن به ۱۹۲۱ دستور موجوده بنام دی آر کی (۱) شروع گردید ، چون در قانون اساسی ۱۹۱۹ تذکر یافته بود که بعد ده سال در دستور اساسی هند دوباره عطف نظر خواهد شد یکی دوسالی پیشتر از سر رسیدن این معاد یعنی در ۱۹۲۷ رئیس الوزرای انگلیس تفررهیت تیشیه را مرکب از ۷ نفر سیاسیون بر بطنیا در پارلمان بتصویب رسانید گویا همین هیئت بود که بنام رئیس آن به سائمن کیشن معروف گردید بهر صورت تفررهیت و دوره های مسافرت های آنها در هند و مذاکرات ایشان با نماینده های مرکز و صوبه جات هندی تقریباً دوسه سالی وقت گرفت تا در اواسط ۱۹۳۰ نتایج مقررات کمیسیون مذکور شایع گردید ، ولی بواسطه که هیچ حزب سیاسی و هیچ مجلس ملی هند بقبول آن رضاندادند لذا کانفرانس میز حدور بزرگترین چاره افتاع آنها سنجیده شده و از جانب انگلیس ها پذیرفته گردید و تا کنون ۳ کانفرانس است که به این اسم و رسم در لندن منعقد گردیده و مطالب آزادی هند مورد مذاکرات قرار می یابد .

اولین کانفرانس که مشتمل از نمایندگان حکومت برطانیه و هند و اهالی ولایات و حکومت نوابان و راجه گان هندی بود به ۱۲ نومبر ۱۹۳۰ در لندن انعقاد یافت ، اما گاندی و حزب کانگریس که ازین وسیله امیدوار به کامیابی نبودند نه تنها شمولیت نوزیدند بلکه به تحریکات Civil disobedience سول دلس اوری دیس عدم اطاعت قوانین کشوری هم شروع کردند .

از آنجا که کانفرانس اولی بمذاکرات ابتدائی و اعلامیه های چندی اختتام گرفته و ناآرام ماند بعد از یک معاهده بین گاندی و لارد ارون و ایسرای هند در اواخر ۱۹۳۱ کانفرانس دومی روی کار آمد درین صراحتیه گاندی هم شمولیت ورزید اگرچه مسائل اقلیت ها که انگلیز ها مدافعه میکردند آنها با استثنای سک ها تا (۱۱۶) ملیون اهالی بهم متحد شده و اصول اتحادیه های ریاسات و ولایات برای تسهیل ارتباط ریاسات و مرکز که در جمله لوازم صوبه های کانفرانس بود قبول گردید ولی کلیه مطالب آزادی موافق بمرام استقلال طلبان هند خاتمه تیافت انگلیز ها عدم موفقیت همین کانفرانس را به عدم اتفاق اهالی هند (با عبارت دیگر عدم اتفاق اقلیت ها استناد میدهند) طرف مقابل یعنی گاندی می گفت که انتخاب اعضای میز مدور بیکطرفه و بدست حکومت بوده و حکومت کسانی را که نامزد کرده نماینده هندوستان نیستند لهذا فدا کاریهای مابن نتیجه میاند تا آنکه گاندی در صراحت خویش پس از ختم کانفرانس دوم همان شورشهای عدم اطاعت و متازعات قدیم را مجدداً بین اهالی هند تحریک نمود و در ۴ جنوری ۱۹۳۲ محبوس گردید ، بلکه متعاقباً کانگریسی ها و احرار دیگری هم که از پیروان و طرفداران فکر گاندی بودند بمسائلی مثبت گردیدند تا یکی بعد دیگری تسلیم محابس شدند ، شخص گاندی در محبس هم قانع ازین خیال نمی بود چنانچه در اگست ۱۹۳۲ که رئیس الوزراء انگلیس فیصله خود را راجع به اقلیت ها اعلان نمود (یعنی برای افرادی که هنوز هم آنها را قابل لمس نمی دانند مانند مسلمین و هندو حوزره

(۱) حکومت دوگانه است یعنی بموجب قانون اساسی هند در مرکز و ولایات مجالس مقننه و منتخبه موجود است و در ولایات امور داری بدو شعبه منقسم است قیام امن و اجرای قانون و پلیس و بعضی امور دیگر در قیسه انگلیس هست و بقیه مانند تجارت و غیره امور مللی و فرایند عامه مربوط وزراء هندی است .

های انتخاب جدا گانه تعیین بشود) گاندهی تجزیه آن قوم را از هندود باعث افتراق و تشتت قومی دانسته و تصمیم گرفت اگر تجزیه شودرها عملی بشود روزه طولانی گرفته و بوسیله فاقه گی اتحار خواهد نمود بالاخره گاندهی تاندازه فایق المرام گردید و نمایندگان شودرها با هندو ها اتفاق کردند و او نیز ترك فاقه گفت. غرض چون برای تصفیة مسایل باقیانده کانفرانس های گذشته باز یکرشته مذاکراتی لازم بود لذا انگلیس ها کانفرانس سومرا در اکتوبر ۱۹۳۲ مصادف با عفر ۱۳۱۱ منعقد ساخته و آنچه از نتایج آن بانظریه حکومت انگلیس در اواخر حوت همان سال بنام کاغذ سفید انتشار یافته قرار آتی است :

مجالس مقننه :

در مرکز هند تقنینه دارای دو مجلس [(۱) اسمبلی (۲) کونسل آف ست] و در صوبه جات دارای يك مجلس [کونسل] میباشد با استثنای ولایات بنگال ، آگره و اوده و بهار که دو مجلس خواهند داشت .

تزمانیکه نصف ریاست ها (از قرار نفوس و عدد مبعوثین) شامل اتحاد نگردند مواد قانون اساسی راجع بمرکز وضع و بعرض اجرا آورده نخواهد شد، بنابراین حکومت های طرز توصیوه ها قبل از تغییرات حکومت مرکزی بعرضه وجود خواهند آمد اما حکومت برطانیه اصرار دارد که ترتیبات اساسی جدیدة صومیجات طوری اجرا نشوند که تأسیس اتحاد هند بصورت احتمالی بماند .

دوائر مرکزی :

برای مشوره و معاونت گورنر جنرال هند يك هیئت وزراء مسئول جهت اداره امور معین خواهد گردید با استثنای امور مدافه ، خارجه و امور مربوطه دین مسیحی که درین ۳ مسایل آخرالذکر ۳ نفر مشیر های غیر مسئول به اختیار خود گورنر جنرال تعیین و تقرر خواهد یافت و گورنر جنرال در اغلب امور از قبیل قیام امن توازن مالی ، مفاد اقلیت ها ، حقوق ریاست حکومت هندی ، حقوق مامورین و امتیازات تجارتنی که منافی مسئولیت خودش باشد میتواند رعایت وزرا را نه نماید .

تقنینه مرکزی :

مجالس مقننه مرکزی بدو تفریق منقسم است : سفلی و علیا ، مجلس علیا برای ۷ سال و سفلی تا ۵ سال دوام خواهند ورزید مجلس سفلی دارای ۳۷۵ عضو خواهد بود که ۲۵۰ نفر از طرف مجالس ولایات و ۱۲۵ دیگر از ریاست حکومت هندی انتخاب خواهند گردید . مجلس علیا مرکب از (۲۶۰) اعضا باید باشد که ۱۰۰ نفر آن از حکومت نوایان و راجه گان منصوب خواهند شد بقیه از اهالی هند برطانوی که قرار قانون اساسی موجوده حق رای دارند انتخاب خواهند شد در صورت اختلاف مجلس گورنر جنرال مختار است که اجلاس مشترک را برای تصفیة منعقد نماید .

مجالس ولایات :

اختیارات گورنر ها در مجالس مقننه ولایات شبه اختیارات گورنر جنرال در مجالس مرکزی بوده و در صورت منحل شدن مجالس و یا وقوع کدام حادثه غیر قانونی در مجالس مرکزی و ولایات اختیارات مطلقه